

قانون اساسی باید منافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران را تضمین کند

کارگران و زحمتکشان متحد شوید



پنجشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۵۸

سال اول - شماره ۲۴

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

قیمت ۱۰ ریال

چه کسانی چماق بدستها و چاقوکشها را برای پاره کردن اعلامیهها و حمله به نیروهای انقلابی بسیج می کنند

در شرایطی که دولت با اختراع مجلس «خبرگان» و محدود نمودن نمایندگان این مجلس، همراه با شیوه انتخابات غیر دموکراتیک عملاً مانع از شرکت فعال مردم و نمایندگان واقعی آنها در تدوین قانون اساسی شده است. در شرایطی که دولت بهمنشی با شورشهای کارگران، دهقانان، زحمتکشان، کارمندان، و پرسنل انقلابی برخاسته، و با نیت زدن به نیروهای مترقی و انقلابی، به توسعه چینی و پیش پایت و برنامه های جعلی و تحریف شده از طریق پندگویی خود به پایمال کردن حقوق دموکراتیک مردم از جمله حق تعیین سرنوشت خلقهای ایران پرداخته است. و عملاً مانع ایجاد شرایط دموکراتیک برای انتخاب نمایندگان واقعی کارگران، دهقانان و زحمتکشان شده است، انتخابات مجلس به اصطلاح «خبرگان» برگزار می شود.

در چند روز گذشته همگامی گروههای صندویی از عناصر مزدور شناخته شده با تحریک افراد ناآگاه و با حمله به اجتماعات و سخنرانیها، با پاره کردن اعلامیهها و تراکت های نیروهای انقلابی، جلو مبارزه انتخاباتی آنها را سد نموده اند. نحوه عمل این گروههای مزدور نشان می دهد که آنها به تنگنا کاملاً سازمان یافته و رهبری شده عمل می کنند. این گروههای مزدور علاوه بر ساواکها و بیجاها و بیجاها در گذشته در میان آنها فراوان است توسط سازمان جاسوسی آمریکا یعنی سیا سازماندهی و تقویت می شوند. آنها که تا دیروز با خدمت پساواک و رژیم شاه به مردم خیانت می کردند امروز با حیوهای دیگر به اربابان خود خدمت می کنند.

متینگ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در روز دوشنبه هفته پیش در دانشگاه تهران از جانب این عناصر مزدور مورد حمله قرار گرفت. چند نفر از هواداران سازمان مجروح و در بیمارستان بستری شدند یکی از کارگران را با چاقو مجروح کردند. در روزهای اخیر متینگهای انتخاباتی سازمان در شهرهای آمل، بابل و... مورد تهاجم این عناصر معلوم الحال قرار گرفت که مانع اجرای برنامه سخنرانی کاندیداهای سازمان گردید. در این میان دولت بقیه در صفحه ۲

تنها شوراهای کارگران، دهقانان، زحمتکشان و سایر اقشار خلقی نگهبان یک قانون اساسی مترقی و مردمی بشمار میروند

هر قانونی که منافع کارگران و زحمتکشان شهروستان را زیر پا بگذارد و حقوق خلقها را نادیده بگیرد، فقط بر روی کاغذ موجودیت خواهد یافت. ما در مقالات گذشته به پاره ای از مباحث و در این مقاله فصل دوم پیش نویس یعنی فصل پیش نویس قانون اساسی برشورد کردیم «دشورای نگهبان قانون اساسی» را مورد بررسی قرار می دهیم.

چهارچوب و قالب فصل «دشورای نگهبان» پیش نویس قانون اساسی ایران (اسول ۱۴۲ تا ۱۴۴) از فصل نهم قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه (اسول ۵۶ تا ۶۳) گرفته شده ولی روح و محتوای آنرا اصل دوم متمم قانون اساسی سابق (عهد مشروطیت) تشکیل میدهد. قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه بوسیله دوگله بهر فرانتوم گذاشته شد. پاره ای از مستحقان روی کار آمدن مجدد دوگله را یک کودتای تمام عیار دانستند و لسی کتسر مستحق بی نظری درباره شبه کودتا بودن آن تردید کرده است.

دوگله ۱۹۵۸، دوگله ۱۹۴۵ نبود، اینبار او بقیه در صفحه ۵

نیروهای سیاسی با چه موضع و با چه هدفی در انتخابات شرکت می کنند

در بخش اول این مقاله که در شماره پیش چاپ رسید به بررسی از نیروها اشاره کردیم. در این بخش از حزب توده و جبهه ملی صحبت می کنیم

برای شناخت ماهیت واقعی حزب توده، نگاه کوتاهی به گذشته آن می کنیم: سران حزب توده که پس از عقب نشینی و فرار متضامانشان، بعد از کودتای تنگین ۲۸ مرداد، سبب تثبیت رژیم شاه و سرخوردگی



در پیش نویس قانون اساسی حقوق کارگران، دهقانان و زحمتکشان پایمال شده است

درباره سیستم سیاسی جامعه و پیش نویس قانون اساسی

وظیفه مقدم هر انقلاب و از جمله انقلابات دموکراتیک و رهائی بخش، در همساز کوبیدن ارکانهای سیاسی و نظامی حمران با آن نابودی کل روابط و ساختار سیاسی جامعه کهنه است.

چنین کوششی که لازمه بنیان گذاری اقتصادی سالم و آزاد و نوین است در پیشانی وظایف انقلابیون قرار میگیرد.

ویژگی سیاسی جامعه جدید که با انقلاب دموکراتیک و رهائی بخش ساختار آن آغاز میگردد در دو اصل و دو نکته اساسی خلاصه میگردد. ما مقدمتا به این دو نکتت که نقش تعیین کننده ای را در سیستم سیاسی جامعه ای بقیه در صفحه ۲

امپریالیسم آمریکا چگونه عمل می کند

در جنبش انقلابی دوسال اخیر، که اقیانوس و طبقات انقلابی خلق با خواستند و مستقیماً به رژیم سلطنتی هجوم بردند، بخش بزرگی از نیروهای انقلابی، قدرت امپریالیسم جهانی را پست سر رژیم دیده بودند و همین جهت آنها شارهایی چون «مرگ امپریالیسم» یا «بند از شاه نوبت آمریکاست» را مطرح کردند و کوشیدند تا روز بروز توده های هر چه وسیعتری را به آن شاره ها آگاه سازند. پس از فرار شاه و سرنگون شدن رژیم سلطنتی، ادامه انقلاب فقط یک معنی می توانست داشته باشد: «دمو کامل سلطه امپریالیسم». امروز هم خلقها، سازمانها و نیروهای انقلابی در راه رسیدن به این هدف مبارزه می کنند. اما شناخت دقیق و عمیق امپریالیسم و آگاهی نسبت به طرحهای سلطه جویانه امپریالیسم، کوشیدند تا روز بروز توده های هر چه وسیعتری را به آن شاره ها آگاه سازند.

«سازمان چریکهای فدائی خلق ایران» برای دفاع از خواستهای کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان خلقهای ایران کاندیداهای خود را برای مجلس بررسی قانون اساسی در سراسر ایران معرفی می کند:

تهران
۱ - حجت اله زبیدی - کارگر پالایشگاه تهران - (فدائی خلق)
۲ - رقیه دانشگری - (فدائی خلق)
۳ - مصطفی مدنی - (فدائی خلق)
۴ - مهدی حاج قاضی تهرانی - (کارگران پیشرو)

آذربایجان شرقی
۱ - نعمت اله محمدی گلپین - کارگر کارخانه نساجی تبریز - (فدائی خلق)

آذربایجان غربی
۱ - محمدتاتور سلطانی بوکانی - معلم - (فدائی خلق)

کردستان
۱ - بهروز سلیمانی - (فدائی خلق)
۲ - صادم الدین صدوق زبیری - حقوقدان - (سازمانهای سیاسی کردستان)

خوزستان
۱ - ناصر خاکسار - کارگر فولادسازی اهواز - (فدائی خلق)
۲ - نسیم خاکسار - معلم (شاعر و نویسنده) - (پیشگام)

گیلان
۱ - محمدرضا جوشی املشی - پزشک - (فدائی خلق)

مازندران
۱ - شیرمحمد درخشنده توماج - کشاورز - (کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن)
۲ - عبدالحکیم محتوم - معلم - (کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن)
۳ - فردوس جمشیدی رودباری - پزشک - (پیشگام)

بیست و ششمین سالگرد انقلاب کوبا گرامی باد

دولتی بوجود آمد که بسزوی رودروی امپریالیسم غارتگر آمریکا قرار گرفت. پیروزی انقلاب کوبا نقطه عطفی بود در رشد و اعتدالی جنبشهای آزادیبخش در آمریکای لاتین. ما بیست و ششمین سالگرد انقلاب کوبا را به خلق قهرمان کوبا شادباش می گوئیم. خلقهای ایران سالگرد انقلاب کوبا را گرامی میدارند و خود را در شادای مردم کوبا شریک میدانند.

خلق کوبا روز چهارم مرداد را که مسافان با بیست و ششمین سالگرد انقلاب کوبا است جشن گرفت. بیست و شش سال پیش خلق قهرمان کوبا بر رهبری فیدل کاسترو و ارستوچه گورا بر رژیم دیکتاتوری بائیتا، این رژیم دست نمانده امپریالیسم آمریکا فائق آمد و اولین حکومت دموکراتیک خلق را در آمریکای لاتین بوجود آورد. اهمیت پیروزی کوبا آن بود که برای اولین بار در جانی که بتواند قلمرو نفوذناپذیر امپریالیسم آمریکا محسوب میشد.

در پیش نویس قانون اساسی - با تأیید مالکیت سرمایه داران و زمینداران حقوق کارگران، دهقانان و زحمتکشان و همه خلقهای ایران پایمال شده است.

ما می گوئیم: تمام سرمایهها و شرکتها و اراضی سرمایه داران و زمینداران چپاولگر داخلی و خارجی باید بنفع زحمتکشان مصادره گردد.

اضافه کاری شیوه ای برای استثمار هر چه بیشتر کارگران

سرمایه داران برای بستم آوردن سود بیشتر از هر وسیله ای استفاده میکنند. همین سودجویی باعث میشود که آنها به دوازش اضافی که از استثمار کارگران در ساعات کار عادی (فلا هشت ساعت کار در ایران) بستم می آورند، قانع نباشند و کارگران را با حیل های گوناگون وادار به اضافه کاری کنند.

در پیشی از کارخانجات همان روز اول از کارگران تمهید میگیرند که روزی ۱۲ ساعت کار کنند (۲ ساعت اضافه کاری با ۳۵ درصد اضافه حقوق). در جای دیگر رفت و آمد سرویسها و ساعت صرف غذا را طوری تنظیم میکنند که کارگران عملاً مجبور به اضافه کاری شوند. از طرف دیگر مزد کارگران برای ساعات کار عادی آنقدر ناچیز است که کفاف محتاج زندگی آنها را نمیدهد و آنها برای تأمین معارج زندگی خود اجباراً تن به اضافه کاری میدهند.

با یک محاسبه سرانگشتی می بینیم که چرا سرمایه دار اینقدر مشتاق است که کارگران با دریافت ۳۵ درصد اضافه کاری، روزی ۳-۴ ساعت بعد از شیفت یا روزهای تعطیل را کار بقیه در صفحه ۲

قانون اساسی باید حافظ دستاوردهای قیام باشد

کارگران سخن می گویند:

قانون رسیدگی به جرائم ضد انقلاب بوی انحصارطلبی و وابستگی می دهد

رفتار من یک تکسین هستم، می خواهم درباره این قانون شایسته ماده ای که باصلاح برای ضد انقلاب تدوین کرده اند، بحث کنم. من متقدمم که باید یک افشاکاری صحیح از قوانین که تدوین شده و تدوین می شود، کرد. یکی از آنها همین قوانین شایسته ماده ای دادگماهی رسیدگی به جرائم ضد انقلاب است.

این قانون ماهیت ضد کارگری دارد، در یکی از ماده های آن آمده است که هر کسی در داخل کارخانه و یا کارگاه، کارگران را وادار به کم کاری یا اعتراض و احتساب بکند که بطور اقتصادی کشور لطمه وارد آورد، طبق قانون با او رفتار می شود و از ۳ تا ۱۵ سال حبس محکوم می شود. بله، هر کارگری که برای کوچکترین خواسته سنی خود دست به اعتراض بزند مهم کارگری بزند به ۱۵ سال زندان محکوم می شود. در اینجا، حق احتساب برای کارگران قائلانده ولی ما واضح می بینیم که این حق از کارگران ما گرفته شده است. کارگران در مبارزات گذشته خود، بدون اجازه کارفرما و یا دولت حاکم دست به اعتراض می زدند مثلا می توانیم احتساب بانک- کارگران شرکت نفت را مثال بیاوریم. که بطور رژیم شاه خائن را بزبان درآورد و به نابودی کشید و همین احتسابها بود که اگر ادامه پیدا می کرد، اقتصاد کشورهای آمریکایی را با بحران روبرو می کرد که ۳ حدودی هم کرد. و حالا خیلی خشمناکانه است که بخواهند این حق کارگران را به صنادی زسریا بگذارند و نابود بکنند. البته ما هیچ انتظاری نمی توانیم از اینها داشته باشیم که باصلاح بیاوند و قوانین کارگری را تدوین و تصویب کنند. دولتی که خود بورژوازی و از بورژوازی وابسته حمایت می کند، هیچ وقت نمی تواند منافع خود و حامیان را نادیده بگیرد. و تمام قوانین را که تدوین می کند، بطور کلی حاکمیت کارفرمایان و استثمارکنندگان را بطور مشخصی تضمین می کند. و اگر غیر از این است که باید تنگیهای کارگران پستی شوراهای کارگران از طرف دولت و وزیر تصمیمی کارواومر اجتماعی به رسمیت شناخته شود. بکه شناخته نمی شود هیچ، حتی به پهلای مختلف از تنگیهای کارگری جلوگیری می کنند. کارگران فقط با تنگیهای خود می توانند به تمام خواسته های حق خود برسند.

در ماده دیگر این قانون، حقوق حقه خلقها را هم زیر پا گذاشته اند خلقهای ما که برای رسیدن به خواسته هایمان آن همه مبارزات خونین را پشت سر گذاشته ایم. حالا در این زمان باصلاح انقلاب خواسته های حق خود را مثلا خود ستاری را اگر مطرح کنند، آنرا وادار به بطور می کنند و اتهام تجزیه طلبی به آنها می چسباند و با این اتهام به خیال خودشان خلق های مبارز را با این قانون ضد انقلاب سرکوب می کنند.

با این تجزیه و توطئه ساده، می توان گفت که قوانین ضلی هیچ فرقی با قوانین قبلی ندارند و بوی انحصار طلبی و وابستگی می دهند...

پایه سرطانه

پایه از صفحه ۱
چه کسانی چماق بدستها و چاقو کتف هارا...

بطور کامل این گروه های فشار را مورد قاید و پشتیبانی قرار می دهند و دست آنها را کاملا باز گذاشته است تا به بیشترین روپها بر علیه نیروهای انقلابی و مرفی متوسل شوند. در پاره ای موارد کمیته های کتالی را که اعلامیه نیروهای مرفی را تصویب می کردند به بازداشت نمودند و همچنین یکی از هواداران سازمان که اعلامیه و تراکت انتصابی را به سرپرستان می برد توسط کمیته بدلیل همراه داشتن تراکت و اعلامیه بازداشت شده است.

همه این موارد نشان می دهد که دولت و دیگر نیروهای که از آگاه شدن مردم بوجهت دارند تم و وسائل و امکانات و از جمله همین گروه های فشار در دسترس می گیرند تا مانع از آن شوند که سازمانهای مرفی آگاه گردند مردم به بدلیل زرا که آگاهی تودعا و غیره در آنها به ماهیت قانون اساسی و مجلس خبرگان، ماهیت دولت و انحصارگرا را برای تودعا افشا خواهد کرد. دولت عولمیریه می گوید که مردم نشان دهند فرایض دیگر آنگاه برای همه نیروها فراهم است و حال آنکه در عمل فرایضی که برای همه مردم فراهم است. هنوز اعلامیه های بروی دیوار نصب نشده است که پاره می شود افراد را به علت داشتن تراکهای انتصابی بازداشت می کنند و به اجتماعت مردم با چاقو و چماق حمله می کنند. کسانی که در مقابل منق محکم و نیرومند نیروهای انقلابی منق چماق و چاقو را برمی گردانند مثلا در هنگامی ایستادگی خود را نشان می دهند آنها که علاوه بر این برای کتف به تودعای مردم ندارند و هر روز پیش از پیش ناتوانی و زبونی خود را نشان می دهند به چماق و چاقو آسبه متوسل می شوند تا مانع از آن شوند که نیروهای انقلابی و مرفی، تودعای مردم را آگاه سازند.

نامه یک کارگر:

چه کسانی از استخدام کارگران اخراجی جلوگیری می کنند؟

در سال ۴۴ بتوان کارآموز در سن ۱۶ سالگی به استخدام راه آهن درآمدیم یکسال بعد از کار متوجه و انتیهای دردناک و شناخت خجانتیهای پهلوی گردیدیم و به افشاکاری پرداختیم. مسئولین پهلوی ما را بعنوان اغلالگر و مبرک کارگران به استنطاق کشیدند ولی از آنجا که مدرکی نبود که ما را اخراج نمایند در تنگناهای اقتصادی و کاری قرار میدادند. در سال ۵۵ به علت احساسی که از محیط کار اخراجی ما صادر کردند بدون اینکه یازده دانستم استنقا داده ولی بعد از مدتی حکم اخراجی ما صادر کردند بدون اینکه یازده سال سابقه خدمتی مرا منظور دارند و با من تسویه حساب نمایند. حال که انقلاب شکوهمند موفق به برانداختن نظام پوسیده گردید برای اعاده کار به راه آهن رجوع کردم مسئولین راه آهن به استناد به نشانه های مثبت و زیران تاریخ ۵۸۲۱۵ که حاکی از جلوگیری از استخدام اخراجیها را دارد از پذیرفتن من جلوگیری می نمایند در صورتیکه تقاضای اعاده بکار من در مورخه ۵۸۲۴۲ بوده. مسئولین کنونی که همزمان به طبقه کارگر پشت کرده اند و به نفاق افکنی در امور شورای راه آهن ادامه می دهند حتی به کتفهای دولت خودشان گوش نداده کمندکر می شود: هرگونه اخراج و تسبیح حقوق کارگران در زمان طاغوت باید رفع گردد. پس چرا این رجاله های رژیم شاه که می بایست تحت پیگرد دولت انقلابی قرار گیرند دوباره، مصدر امور واقع شده اند. یک کارگر اخراجی: از اموز

ضبط «کار» بعنوان اسلحه قاچاق

شیراز - در تاریخ ۵۸۲۲۹ دو کارکن حاوی روزنامه «کذبه» که از تهران به قصد شیراز فرستاده شده بود، در اسفهان بوسیله افراد کمیته بدلیل واهی کتف اسلحه توقیف شد و پس در شیراز، دون از هواداران سازمان که برای تحویل گرفتن روزنامه به کاراز مراجعه کرده بودند از طرف پلیس شیراز که با کمیته اسفهان در ارتباط بود به اتهام دروغین قاچاق اسلحه بازداشت شدند. این دون ۲۵ ساعت در بازداشت بسربردند و خانهای آنان نیز مورد تفتیش قسرسار گرفت.

پایه از صفحه ۱

اضافه کاری شیوه ای برای استثمار...

تکنیک فرس می کنیم که در یک کارخانه مزد متوسط کارگران ۵۵ تومان باشد. سایر هزینه های که کارفرما صرف می کند ۴ کارگر برایش به ساعت کارکرد بشرح زیر است:

- سهم سود ویژه یکصد روز در سال، ۱۴ تومان
- ماهیانات و قیمت غذا که سرمایه دار میپردازد، ۵ تومان
- هزینه سوس، ۵ تومان
- سهم مزد مرخصی سالانه در روز ۹ تومان
- هزینه بیمه (۱۳ درصد)، ۵۵ تومان
- سایر هزینه ها (تفریبات)، ۵۵ تومان
- جمع، ۴۴ تومان

بنابراین برای سرمایه دار ۸ ساعت کار کارگر میسود و ۵۵ تومان هزینه دارد. یعنی هر ساعت کار کارگر در زمان هادی (۸ ساعت اول کار) ۱۲ تومان (۵۵-۴۴) برای سرمایه دار هزینه دارد. حال ببینیم اگر این کارگر اضافه کاری کند کارفرما با پرداختن ۳۵ درصد حق اضافه کاری چندر سود می برد. اگر کارگر ۴ ساعت اضافه کاری کند، بابت آن ۳۳ تومان مزد میگیرد (کتر از حقوق ۳ ساعت کار هادی). یعنی در زمان اضافه کاری نیروی کارش را ساعتی ۵۵ تومان میفروشد. که ۵۳ تومان از قیمت فروش یکساعت کار هادی کتر است (۵۵-۲۲=۳۳). اگر دو هزار کارگر در این کارخانه هر روز ۴ ساعت اضافه کاری کنند روزانه درین کارخانه ۸۰۰۰×۳۳=۲۶۴۰۰۰ تومان ساعت اضافه کاری میسود میگیرد. سرمایه دار این بابت هر روز ۲۸۰۰۰ تومان (۸۰۰۰×۳۵) بیشتر از زمانی که به او حین مقدار ساعات کار را از

نامه ای از کارگران سندج به مردم مبارز سندج

هنرمندان مبارز! ما کارگران زحمتکش افتخار می کنیم که هم چیز ساخته و پرداخته دست ما است. مگر ما وسایل رفیجران نیستیم که تولید کننده همه ثروتها می باشیم؟ از قدیم گفته اند کارگر قلب، روح و شیره جان مملکت است. ولی ببینیم در برابر این همه رنج چه چیزی عاید ما می شود، ما تولید می کنیم سرمایه داران به جیب میزنند. ما خون دل میخوریم آنها با خون ما چهره خود را گشون میسازند. پهلوی زحمتکشان بود که به بساط رژیم منظور پهلوی برای همیشه خاتمه داده شد. رفقا و برادران ما بودند که در گردستان و آذربایجان و خوزستان وسایل نقاط ایران سینه بر آرزیه خود را جلو رگبار مسلسل سپر کردند و مردانه و شرافتمندانه جان دادند. ما انقلاب کردیم ولی هنوز خونمان و عرقمان خشک نشده بود که زالوهای خون آخام سر رسیدند تا نه تنها آزیموه انقلاب به یورد بکنند بیلی از گلته خون ما را بکشند و پهرش هر چه کارگر زحمتکش است بکشند. در زمان دیکتاتوری محمد رضا شاه ساواک، ارتش، پهلوی و ژاندارمری کارگران مبارز را اغلالگر و هوروی میخواندند اکنون نیز همین کار را میکنند. در زمان پهلوی قانون کار بطور مؤذبه ای جنایات کارفرما را بر حق جلوه میداد امروز هم همینطور. در آن زمان حق مظلوم را به ظالم میدادند حالا هم می دهند. آرزوی ادارات کار عامل دست کار فرما بود امروز نیز چنین است. حتی برایی که در نظر می گرفتند برای این بود که طبقه کارگر را با چند غازی دلفروش کنند و از گرفتن حقوق واقعی خودش بازدارند و حقتناست است که بعد از انقلاب نیز همان قانون ضد کارگری کار اجرا می شود. همین هر خودمان را در نظر بگیرند آقای وکیل رئیس اداره کار که به عیر به حقوق خدمت کرده است و جنایات او علیه کارگران و نوکری به سرمایه داران بر هیچکس پوشیده نیست اکنون در پشت ریاست اداره کار باقی مانده است. ما میرویم چگونه کسی میخواست در رژیم پهلوی توافق ساواک و سرمایه داران بچنین مقامی برسد پس این همه گفته دادیم برای چلا که حتی هر هاده هم عوض نشوند که وضع زندگی کارگر از زمان طاغوت هم بهتر بود و اوضاع که دستخوش این چه انقلابی است که

هنوز چند ماه از آن نگلته به خون اصلی انقلاب پشت می کنند چرا راه دوری رویم. کارگر میداند که همین آقای وکیل چه خوش خدمتیهای که برای کارفرمایان بر ضد طبله کارگر انجام نداده است؟ هنوز پیمان رفه که در دوران دیکتاتوری شاه چنگوله با عقم فروخورده از اتاق مدیر کل های ضد کارگر اداره کار بیرون می آمدیم و اگر کوچکترین اعتراضی میکردیم ما را از ساواک و شکنجه در زندان میفرستادند. این مدعیان انقلاب خیانت نمی کنند که همان دلفکارهای ضد کارگری رژیم سابق را تکرار میکنند کتف که تا بحال بپرد دل کارگران واقعی که با در محیط کار در زیر چکمه های کارفرما له می شوند و یا در حال تصمن و احتساب هستند گوش داده باشد. بجای آن ظهرا با کسی صاحب می کنند که عامل کارفرمات و نماینده واقعی کارگران نیست تازه در همین صاحبان دروغین نیز حرفهای پهلوی را بر زبان او می گذارند که عینا تکرار کند زهی پیشوی! شرح خیانتها و همنجتهای اداره کار با سرمایه داران خونخوار یکی دوتا نیست...

در پایان چند کتف با آقای وکیل حرف داریم آقای وکیل ما شما را خوب می شناسیم شما یک فرد زمیندار هستید که سالیانه با سرمایه داران پیولنی نزدیک دارید و در رژیم سابق برای کسب مقام بنفع دولت آریابری تبلیغ می کردید و هم اکنون نیز به نام اسلام و جمهوری اسلامی در پشت خود باقی مانده اند آقای مدیر کل شما را به حل مشکلات طبقه کارگر چه کار، هنوز هم رانده اداره با نظیم درب ما حین را بر پیمان باز می کند از فری مثل شما انتظاری نداریم مظهر گردانندگان دستگاه هستند که حتی وقتی مردم انقلاب می کنند تا ریفه افرادی مثل شما را بکشند ما را بچنین زندگی فلاکت باری دچار می سازند با وجود این به شما و امثال شما همدار می بینیم که طبقه کارگر بیچاره است و به حقوق خود آگاه است و هرگز اجازت نمیدهد شما و امثال شما در رس قدرت باقی بمانید. سرگه بر استوارگران ستم پیشگان و نوکران

مدود بر کارگران زحمتکش که لیسروی حکمت ناپلیر انقلابند

نامه یک کارگر بیکار:

در این دولت کسی نیست که از کارگران دفاع کند

اینجا اسماعیل م. مدت ۲۵ سال بود که در مهیاد زندگی می کردم و چند ماه است که به راه رفتم و در آن جا سکونت دارم. پارسل مدت ۸ ماه در شرکت ایران «نیای» واقع در چند کیلومتری مهیاد کار می کردم و پس از تمام کار کل مزد من و رفقایم ۳۵ هزار تومان میشد که بالاخره بعد از چندماه دودگی توانستم نصف آنرا بگیرم و بابت نصف دیگرش یک چک ۱۵ هزار تومانی توسط صاحبان ورثه شرکت به ما داده شد. که بعد از سماء دریافت کنیم در صورتی که وقتی به بانک رفیق چک برگشت خورد و قلابی بود. بشرکت مراجعه کردم گفتند پول نداریم هر کاری دلت می خواهد بکن. ما را بیرون کردند و چندبار به ما دعوتی می دادند. بعد از بارها مراجعه به ما دعوتی می دادند گفت کاری از دست من ساخته نیست... برو حراج دلت می خواهد بگو. در ضمن ما در وقت که اکنون دانستان شورای انقلاب مهیاد است به ما گفت چون طرف شما این جا نیست ما نمی توانیم کاری برای تو انجام بدهیم. برو تشنگه بخور و بمانش کن و بکش. گفت اگر پول داشته کفتنگه بخرم اینجا چه کار می کردم.

بعد از این همه بیکاری و چند ماه دودگی بالاخره در مهیاد به ما دعوتی می دادند. ما با سرمایه داران گفتیم: کتف نیست که تو از او شکایت کردی تهران است من در جواب کتف ما شوقی که هست صاحبان شرکت است. از آن گفتند من با شرکت طرف هستم و شرکت در حال حاضر متبوسل کار است و هم چنین کارگران دیگری که مثل من حقتان را خورده اند از این شرکت شکایت کرده اند. اکنون وضع زندگی من در مهیاد خیلی خراب است از پارسل بیکار هستم پسری دارم که در سن شایسته سالگی در مقام ۲۵ تومان اجرت روزانه به کارگری مشغول است و زندگی پر مشقتان را با این ۲۵ تومان می گذرانیم. چندین بار به ما دعوت می کردند و رفیقان و درخواست وام نوسدهم با وجود این کتف فرجه بیمه و کارت کارگری پارسل را که در شرکت ایران «نیای» بمن داده اند دلفتم، از دادن وام بمن خودماری نمودند گفتند برو از مهیاد گواهی بیاور. در مهیاد اداره کار بمن گفت برو شرکت و با بهاداره بیمه بگو. در شرکت واداره بیمه هم جوابی بمن ندادند. حالا می فهمم که واقعا برای کارگران هیچ چیزی تغییر نکرده است. و در این دولت کسی نیست که از کارگران دفاع کند.

ما خواهان تساوی کامل حقوق اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زنان با مردان هستیم



کارگران شرکت پرسیزیون: سرمایه این شرکت اسرائیلی متعلق به کارگران است

مجد سلیمان - کارگران شرکت پرسیزیون مسجد سلیمان پس از چندبار اعتراض، رام- پستانی و تخمین برای رسیدن بهخواستهایشان درمورد تشکیل سندیکای واقعی کارگران برآمدند وخواستار دراختیار قرار گرفتن سرمایه و تجهیزات شرکت اسرائیلی شدند. شرکت پرسیزیون که تا قبل از قیام به ساختن تاسیسات برای ارتش (خانم فرودگاه و...) اشغال داشت یک شرکت وابسته است که ۴۶ درصد از سهام آن متعلق به اسرائیلیها و بقیه آن متعلق به شاهپور غلامرضا و تیمورتاش بود. اکثر کارگران این شرکت را روستائیان مهاجر بختیاری، ترک و کرد تشکیل میدهند. کارگران شرکت پرسیزیون که سالها در بدترین شرایط در یک محیط فاشستی و با حقوق ناچیز تحت استعمار قرار می گرفتند با اوج جنبش تودهها، در مهرماه ۵۷ دست به اعتراض زدند و برای بهبود وضع خودخواستار ۳۵ درصد اضافه حقوق، دریافت حق ایاب و ذهاب و مسکن و خواوربار شدند. اما این اعتصاب بدلیل عدم تشکیل کارگران به نتیجه ماند تا اینکه کارگران یکماه بعد با اعتصاب مسجد

دوس برسیدن بهبسی ازخواستهایشان میشوند قبل ازقیام همین تعداد زیادی از کارگران اخراج شدند و شرکت بحالت نیمه تعطیل درآمد و با فرار شاهپور غلامرضا و سهامدار اسرائیلی بنام «فرانک» این شرکت عملا تعطیل شد. کارگران بعد از قیام برای دریافت حقوق عقب افتادشان به اداره کار مراجعه کردند و پس از اعتراضها و راهپیمائیهای مختلف موفق شدند ۲۵۰۰ تومان دریافت کنند. کارگران در فروردینماه برای بازگشت به کار و دریافت حقوق ۸ ماه گذشته در فرمانداری مسجد سلیمان متحصن میشوند ولی نتیجهای نمی گیرند. در تاریخ ۱۳ تیرماه کارگران تصمیم به تشکیل سندیکای واقعی گرفتند تا بتوانند هر چه مشکلتر به مبارزه ادامه دهند. مهمترین خواست های کارگران عبارتست از ملی شدن سرمایه و تجهیزات شرکت پرسیزیون و بازگشایی هر چه زودتر شرکت. همچنین سهم شدن کارگران در سرمایه گذاری و درآمدهای شرکت بانوجه اینکه سرمایه گذاران اسرائیلی و وابسته به دربار ستواری هستند.

کارخانه درخشان: مبارزه کارگران کارخانه درخشان برای تشکیل شورای واقعی

بدون اجازه شورا اعلامیه ای بخش کند. ولی در مقابل این حقیقت که کار ۹۵۰ نفر کارگر هم اکنون بوسیله ۳۵۰ نفر انجام میشود سکوت اختیار میکند. آقای رئیس شورا شا چه چیزی در این اعلامیه دیده که بقول خودشان خلاف خط مشی انقلاب مقدس این واحد تولیدی باشد. آیا شا بدین وسیله اختناق بوجود نیآورده اند؟ در پایان این اعلامیه بهروابط نزدیک قاسم بهمنی رئیس شورا با رضا شکرچیان (کارفرما) اشاره شده است.

گروهی از کارگران کارخانه درخشان تهران ضمن اعلامیه ای اصرار شد کارگری شورای کارخانه و رئیس آن را افشا کرده و از کارگران خواستند تلاش کنند تا شورای واقعی کارگران ایجاد شود. در این اعلامیه آمده است: اگر دوستان کارگر دقت کرده باشند بازهم مداخله در امور کارگران اما این بار از طریق شوروی به اصطلاح انقلابی، چشم میبندد. این شورا در مقابل یک اعلامیه افکارگانه مکرر الصل نشان داده و میگوید: هیچ کارگری حق ندارد

حقوق عقت افتاده کارگران شهرداری بابل را بپردازید

بابل - کارگران شهرداری بابل بسیاری دریافت حقوق و مزایای عقب افتاده که بین ده تا بیست هزار تومان برای هر نفر می شود برای چندین بار در تیرماه دست به اعتصاب زدند و جلو شهرداری جمع شدند و اعلام کردند تا گرفتن حقوق عقب خود به اعتصاب ادامه خواهند داد روز اول جوابی به آنها داده شد روز دوم گروهی بمنظور برهم زدن اعتصاب با بلندگو مردم را علیه کارگران بسیج کردند گروه دیگری نیز به سرکردگی

یک نفر بازاری میخواستند با شمار مرگ بر رفتگران راهپیمایی کنند. اعتصاب در اثر فشار عناصر مرجع و عدم وجود سندیکای نمایندگان پیگیر به نتیجه لازم نرسید و قرار شد کارگران مقداری از طلب خود را دریافت کنند و بقیه را در ماههای آینده بگیرند. کارگران از این وضع ناراحت و خشمگین بودند و علیه مرجعیان و مسئولان شهرداری شعار میدادند.

معرفی چند نشریه کارگری جنوب

در سرمقاله نخستین شماره پالایش آمده است: «...تها نیروی پیگیر مبارزه علیه امپریالیسم، کارگرانند که باید از طریق ایجاد تشکیلات مستقل از قبیل سندیکا، شورا، اتحادیه و سازمانها و احزاب کارگری، تمام نیروهای جامعه را تحت رهبری خود بسیج کنند. از این رو ما وظیفه خود میدانیم، در این شرایط بحرانی با ارائه نشریه پالایش ریشه های مسائل کارگری را در پرتو کنگهای فکری و حرکتی کارگری آنها بازشناخته و آرا پگوش همگان برسانیم» همچنین نشریه «رزم کارگر» از جنبش هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق در گیلان از اوایل ماه گذشته منتشر شد. این نشریه که بهطور مرتب به چاپ میرسد آخرین خیرها و رویدادهای کارگری منطقه را همراه با تحلیل و بررسی منتشر میکند.

کارگران جنوب به ویژه کارگران صنایع نفت و فولاد در چندماه گذشته چندین نشریه کارگری منتشر کرده اند. در این نشریات خیرها و مسائل کارگری و شوراها تحلیل های اقتصادی و سیاسی و گزارشهای مختلفی از رویدادها و سائلی که در صنایع و کارخانجات جنوب میگذرد و همچنین افکارگری مقامات و عوامل شدکارگر به چاپ رسیده است. از جمله نشریات کارگران جنوب، نشریه نفت، پالایش، فولاد (نشریه کارگران پیشرو صنایع فولاد)، نورد (نشریه کارگران پیشرو نورد امواز) از چندماه پیش بطور مداوم منتشر شده است. در نشریه نفت سلسله بحثهایی تحت عنوان «امپریالیسم را بهتر بشناسیم» به چاپ رسیده که مطالب علمی و آموزنده ای را دربر دارد. در این نشریه مبارزات کارگران خناری علیه شرکتی نفتی امپریالیست، تشریح شده است.

فقط با قطع کامل وابستگی به امپریالیسم است که می توان صنایع، بانکها و شرکتهای وابسته را ملی کرد

اخبار کوتاه کارگری

* تبریز - کانون کارگران بیکار و اخراجی و اتحادیه کارگران پروژه ای تبریز طی اجتمای خواستهای کوتاه مدت زیر را مطرح کردند و خواهان اجرای آنها از طرف مسئولان شدند:
۱- تامین کار برای کارگران از طریق بازگشایی کارخانجات و ایجاد کارهای تازه.
۲- ایجاد کلاس های مهارت فنی برای آموزش کارگران
۳- در اختیار قراردادن محل مناسب برای اجتماع کارگران

خواسته های ۳۰۰ کارگر شهرداری بانه

بانه - بیش از ۳۰۰ تن از کارگران عمرانی شهرداری بانه که از تاریخ ۵۸۴۲۹۹ بطاظر اعتراض به نظر بیکاری و عدم تامین زندگی کارگران در ساختمان شهرداری دست به تهمین زده بودند با انتشار قطعنامه ای به تخمین خود پایان دادند. در قسمتی از قطعنامه کارگران شهرداری که به تائید گروه های سیاسی بانه و سندیکای کارگران این شهر رسیده خواست های زیر مطرح شده است:
۱- ابقای کارگران در کار فاضلاب و عمران شهرداری، تا پایان کار و پرداختن حقوق کارگران در هنگام بیماری.
۲- تعطیل روزهای جمعه با احتساب دستمزد روزانه کارگران و تامین بیمه کارگران
۳- دستمزد کارگران در صورت تمام شدن مصالح ساختمانی در حین کار تا شروع مجدد کار باید پرداخت شود و دوسرور و انگاری کار بهیمانکار کارگران بیکار نشوند.
۴- برکناری سمار شهرداری.

بررسی چگونگی اعتصاب کارگران کارخانه پوشش

رشت - شورای کارخانه پوشش بعد از سقوط رژیم سابق با شرکت ۵۴ نفر نماینده از قستهای مختلف و ۶ نفر به عنوان میث اجراییه انتخاب و تشکیل شد. از هدف های اولیه شورا پیگیری خواستهای کارگران و اخراج عناصر فاسد و ضد کارگر و مدیران وابسته از کارخانه بود. در رویدادهای کارگری سی و کوش کارگران اتحاد در مقابل تفرقه افکنی عوامل کارفرما بود و طی اعتصاب اخیر نیز برای اجرای خواسته هایان به همراهی شورای کارگری دست از کار کشیدند لیکن ما در این جا شروزی می بینیم تا نواقص کار شورا را ذکر کنیم: (۱) شورای کارگری اعتصاب را بطور کامل با مسائل کارگران صحتنگه نکرد. در قستهای مختلف در ارتباط با کارگران نبود است و به همین جهت نمایندگان نتوانستند جزئیات را از طریق کارگران بشنوا اطلاع دهند (۲) ندانستن کمیته اعتصاب بمنظور صحتنگی منظم کار کارگران و عدم وجود سندوق اعتصاب (۳) شورای کارگری می باید از طریق مجمع عمومی و انتشار اعلامیه های توضیحی با کارگران در ارتباط باشد. شورای کارگری با توجه به خواسته های برآورده شده از جمله ۳۵ ساعت کار در هفته از کارگران خواست تا فعلا بر کار بازگردند تا در ضمن کار دنبال خواسته های برآورده شده را بگیرند. لازم می آید آوریست که کارگران در جریان اعتصاب و تخمین (در دادگستری) موفق شدند به قسمتی از خواستهای خود برسند و قرارداد مناکره نمایندگان شورا برای بست آوردن سایر خواسته ها ادامه پیدا کند.



کارگران حفاری: اجازه نمی دهیم شرکت های آمریکائی سرنوشت ما را تعیین کنند

سکوت پرل زده و در مذاکرات با کمیته دولت و وزارت کار و دولت چیزی جز وعده دستگیرمان نمی شود. آنچه بر ما حتم است اینست که تصمیم قطعی برای تعطیل کامل شرکت گرفته شده است و در این تصمیم زندگی ما را هیچ گرفته اند. ما شاهد هستیم که هر روز کارخانه های بیشتری از کار می افتند و کارگران زیادی بیکار میشوند و این در جهت خلاف مبارزات ضد امپریالیستی ماست این وظیفه ما کارگران است که نگذاریم شرکت های امپریالیستی منافع ما را زیر پا بگذارند. ما دارای آنقدرت و مهارت لازم هستیم که بدون وجود امپریالیستها بار دیگر دکلهای را بکار اندازیم و اداره شرکت را دست بگیریم.

اجازه - کارگران شرکت حفاری «دیننگ» اند پیشه ضمن انتشار اعلامیه ای به توجهی دولت و مسئولان شرکت را به خواستهای خود محکوم کرده و گفته اند: در حالیکه شرکت «دیننگ» اند پیشه را تعطیل کرده اند شرکت «دورینگ» سدکو را بکار انداختند تا هم منافع سرمایه داران آمریکائی تامین شود و هم از «شره» کارگران مبارزی که سالها سابقه کار دارند خلاص شوند! این اقدامات خودسرانه که از طرف شرکت آمریکائی انجام میگردد چیزی جز بی توجهی به خواست ما نمی باشد اکنون دیگر بر ما روشن شده است که به هیچ وجه نباید منتظر این پانیم کسیه کارفرما به خواستهای ما توجه کند. دولت هم که باید جلوی بیکاری ما را بگیرد مهر

باز هم سودجویی کارفرما باعث مرگ کارگری شد

کاشی وجود دارد که نباید از آن عبور کرد. این کارگر در لفظی که واکن در حال حرکت بود بدون اطلاع از موقعیت همین محل میزد و شربه سختی به سرش می خورد که باعث متلاشی شدن قسمتی از مغزش می شود و چند ساعت بعد جان میبازد. آیا اگر این کارگر را به مسئولی می فرستادند که در تشخیص نبود چهار این حادثه مرگبار می شد؟ این کارگر و اینگونه کارگران فدای منافع سرمایه دارانی میشوند که برای سود هرچه بیشتر کارگران را با دستمزد ناچیز استخدام میکنند و به قسمتهای که نیاز به تخصص و آشنایی دارد، می فرستند و امکانات ایمنی و حفاظتی لازم بوجود نمی آورند. همچنین روز دوشنبه ۱۸ تیرماه نیز سه کارگر در کارخانه کاشی سندی چهار حادثه می شوند که حال یکی از آنها بملت وارد آمدن شربه منزی و غم می شد.

ساعت ۳ بعد از ظهر پنجشنبه ۲۱ تیرگی از کارگران کارخانه کاشی سندی بهوش فیمی کشته شد و یکبار دیگر خون یکی از زخمی کتکان در راه ایستادند هر چه بیشتر تروت سرمایه داران شد کارگر به زمین ریخت. «لقطعی دنیا طی پوره» اهل ماکسو (آذربایجان) که زن و ۶ فرزند داشت فقط ۲۵ روز بود که به استخدام کارخانه کاشی سندی درآمد بود. این کارگر را که هنوز با محیط کارخانه و وسایل فنی کار آشنا نشده بود برای اولین بار به قسمتی می فرستند که هیچ آشنایی با آن قسم نداشته است و همین امر موجب کشته شدنش می شود. این کارگر تازه وارد برای تمسیر یا روغن کاری قسمتی از دستگاه کوره به زمین می رود. در قسمت زیرین کوره راهرویی وجود ندارد که برای رفت و آمد و کنترل دستگاههای مربوطه به کوره می باشد و دارای در ورود و خروج است. همچنین یک لجره در زیر ریل واگن حمل

خواسته های کارگران و زحمتکشان برنج کوبی و سد رکوبی کازرون

کازرون - کارگران برنج کوبی و سد رکوبی شاه امیری کازرون که مدت ۵ سال است در شرایط بسیار سخت و طاقت فرسا در این کارخانه کار می کنند در پیالیهای بااستمرار و محتاجانه ای که از جانب کارفرما اصرار می شود اعتراض کرده، خواسته های خود را مطرح کردند. این کارگران که از ابتدای ترین امکانات انسانی و بهداشتی محروم هستند مجبورند در هوای آلوده کار کنند و به همین سبب در معرض خطر امراض روی قرار دارند. ساعات کار در این کارخانه ۱۲ ساعت و حقوق روزانه کارگران ۵۰ تومان است. کارگران در پیالیه خود وجود این فاشتهای و شرایط شد انسانی را فاش ازست طبقاتی دانستند و یادآور شدند دولت جدید که خود را مدعی دفاع از منافع زحمت کتان می داند هیچگونه اقدامی در جهت از بین بردن این مته طبقاتی و فراهم آوردن رفاه

کارگران انجام نداده است. خواسته های کارگران زحمتکش برنج کوبی و سد رکوبی شرح زیر است:
۱- افزایش حداقل دستمزد از ۵۰ تومان به ۸۵ تومان
۲- کاهش ساعت کار از ۱۲ ساعت به ۸ ساعت.
۳- پرداخت ۳۵ درصد اضافه مزد برای اضافه کاری و ۳۰ درصد برای کار در هوای آلوده همچنین تامین وسایل ایمنی و بهداشتی.
۴- پرداخت عیدی و مزایای ۵ سال گذشته
۵- کارفرما موظف است هر چه زودتر نسبت به تامین بیمه درمان اجتمای تمام کارگران اقدام کند.
۶- سهم شدن کارگران در سود و ویژه کارخانه.

بقیه از صفحه ۱

درباره سیستم سیاسی جامعه و پیش نویس قانون اساسی

آزاد و دموکراتیک دارد اشاره ننوده و سپس بخشی از پیش نویس قانون اساسی که باین امر مربوط میشود را با آن مقایسه خواهیم کرد. چنین مقایسه‌ای بهترین شاخص در تعیین ماهیت پیش نویس قانون اساسی از نظر ناپس خواهد بود.

و در خصوص محدود کردن عبادت از: ۱- سیستم سیاسی و دولتی که محصول انقلاب دموکراتیک است، می‌باید بیان کننده اراده و عزم قوی باشد. توده‌های وسیع خلق یعنی کارگران، دهقانان، زحمتکشان، کسبه و پیشه‌وران باشد. سیستم سیاسی جدید باید مظهر وحدت داوطلبانه خلقهای جامعه بوده و حق تعیین سرنوشت آنان را برسمیت بشناسد.

اگر قانون و دولتی که سیاستهای مبتنی بر آن است هدفی جز هدف فوق را در نظر قرار ندهد، نه آن قانون و نه دولتی کمجبری است، انقلابی نخواهد بود. بلکه قانون و دولت مبتنی بر سرمایه‌دار و مملکت خواهند بود. ۲- دولت و تمام ارگانهای حاکمیت انقلابی می‌باید بر نهادهای دموکراتیک استوار گردد.

منهوم واقعی این اصل آنستکه تمامی مقامات و مسئولین اداری و نظامی جامعه باید بر پایه رای آزادانه، مستقیم و برابر توده‌های خلق انتخاب شده و در مقابل آستان پاسخگو باشند. درینصورت تمامی ارگانهای حاکمیت از پائین به بالا سازمان یافته و همه مقامات به اراده مردم قابل تمویض خواهند بود. در چنین شرایطی، بطور صلی حقوق خلقها از طریق برسمیت شناختن مجالس ملی که نمایندگانی به مجلس مومسان توندای اعزام خواهند داشت رعایت خواهد شد.

بنیادهای سیاسی انتخابات در کلیه کشورها و اجتماعی جامعه نیز سازمانهای خواهد بود که تودما برای پیشبرد انقلاب و تعیین سرنوشت خود بدست خود در آن متشکل شده اند. اینست منای علامه شده دولت انقلابی از نظر سیاسی.

با پیشین این امر اکنون بهینم در پیش نویس قانون اساسی چگونه خصوصیات ذکر شده در مواد و تبصره‌های آن پیش بینی شده است؟

ما در شماره گذشته از محتوای اقتصادی و ماهیت طبقاتی پیش نویس قانون اساسی که بنیادهای باصلاح قانونی سیاستهای دولت خواهد بود را مورد ارزیابی قرار داده و باصلاحات چگونگی برخورد با ساله کارگران و سرمایه های بزرگ انحصاری چگونگی قانونی کردن ستم طبقاتی زمینداران بزرگ و بقایای فئودالها را بر دهقانان نشان دادیم. نشان دادیم که چگونه پایمال شدن حقوق ملی خلقها، قانونی می‌شود. و در نهایت هدفهای ضد خلقی و جهت گیری آنها در حفظ منافع مملکت و صاحبان سرمایه‌های بزرگ و انحصاری را که زمینه‌های اقتصادی وابستگی جامعه را به انحصارات امپریالیستی فراهم میکند را روشن کردیم.

حال بهینم پیش نویس قانون اساسی چگونه به واسطه اساسی فوق الذکر یعنی اصل حاکمیت مردم نهادهای دموکراتیک یعنی تصویق اراده خلق بدست خود تودما برخورد میکند. چگونه حقوق سیاسی خلقها در این قانون پایمال میشود؟

پاسل ۳ از همین پیش نویس قانون اساسی توجه کنید: «آراء عمومی مبنای حکومت است و بر طبق دستور قرآن که: «و مشاورم فی الامر» و «امرهم شوری بهینم» امور کشور باید از طریق شوراهای منتخب مردم در حدود صلاحیت آنان و به ترتیبی که در این قانون و قوانین ناشی از آن مشخص میشود حل و فصل گردد.» در پیش نویس قانون اساسی نقش این شوراها چه خواهد بود؟ پیش نویس جواب میدهد: «مشروری و آنهم «در حدود صلاحیت» و اینکه این «حدود صلاحیت» در کجا و چگونه تعیین خواهد شد؟ پیش نویس جوابی به آن نمیدهد. شوراها یعنی هیچ! باین ترتیب در قانون، شوراها، ارگانهای نیستند که از جانب تودما جهت اصلاح حاکمیت بلاواسطه تشکیل شده‌اند. در اینجا شوراها تبدیل به ارگانهای میشوند که بطور فرمایشی در پیش نویس بآن اشاره میشود و برایش نقش مشورتی! در نظر گرفته میشود. در عمل نیز حیات حاکم با توسل به شوراها یعنی منتقل تلاش می‌کند شوراها را سرکوب نموده و یا با نفوذ در آنها از عملکرد واقعی آنها جلوگیری کند. در اصل فوق عبارت «آراء عمومی مبنای حکومت است» آورده شده، این کاملاً یک

امپریالیسم آمریکا چگونه عمل می کند

بقیه از صفحه ۱

جهانی امپریالیستی وابسته بودند و هنوز هم هستند. در این جا دو نکته دارای اهمیت است: یکی این که این منابع و بطور کلی تمام اقتصاد سنتی و کشاورزی کشور، نه بر پایه نیازهای واقعی جامعه بلکه بر اساس منافع امپریالیسم جهانی سازمان یافته و گسترش پیدا کرده است و به همین جهت بدون پیوند با این اصول جهانی محکوم به سرگرد است. دیگر این که خصوصی یا دولتی بودن این منابع و بانکها اساساً تأثیری در حثت وابستگی آنها ندارد. همه می‌دانند که در رژیم پیشین بخش بزرگی از سرمایه‌ها و منابع وابسته، مستقیم و غیر مستقیم، در دست حکومت و وابستگان به آن بوده‌اند. داری وابسته، بورکراتیک (اداری) تأمین می‌شود. مگر در آمریکا، امپریالیسم آمریکا بود. اما نکته بسیار مهم این است که قیام مردم، با این که بخش بوروکراتیک سرمایه‌داری وابسته را زیر ضربات مبارک قرار داد، به سبب حثت سازشکارانه جناح‌های قدرتمندی از حاکمیت، موفق به منهدم کردن سرمایه‌داری وابسته و قطع همه رشته‌های سلطه امپریالیسم نشد و امروز آشکارا می‌بینیم که سرمایه‌داری وابسته دارد در جهت تحکیم مواضع خود در همه زمینه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حرکت می کند. امپریالیسم می‌داند که سرکوب کردن مبارزان ضد امپریالیست کارگران زحمتکشان شهر و روستا هستند. امپریالیسم امریکایی می‌داند که خلق‌های تحت ستم نشاندن درین وابستگی که در امپریالیسم سازمان‌های انقلابی راه، که در کوریه، مبارزان ضد امپریالیستی قهرمانانه جنگیده وسدما شهید دادند، به خوبی می بینند. بنابراین امپریالیسم امریکا برای تحکیم سلطه‌ی خود می‌داند که باید بر سرمایه‌داری وابسته تکیه کند و زمینهای سرکوب کارگران زحمتکشان، خلق‌های تحت ستم و سازمان‌های انقلابی آنها را فراهم آورد. این استم است که امپریالیسم از طریق آن در جهت تحکیم مواضع خود می‌کوشد. به همین جهت نباید در جستجوی رد پای امپریالیسم بهیچ وجه سرگرد نشو. راه امپریالیسم این است که بدست نیروی حاکم کنونی، کارگران، زحمتکشان، خلق‌ها و سازمان‌های انقلابی آنها را که نیروی اصلی و آتش‌پایز ضد امپریالیستی هستند سرکوب کند و همین حکومت را بدست وابستگی کامل سوق دهد.

و همین جهت که دولت و شورای انقلاب، به نسبت کارخانه‌ها، طرح‌های سازمان یافته برای سرکوبی سلطه‌های خلق‌ها، راه انداختن ستم ملج و هجوم بی‌وقفه آنان به سازمان‌های انقلابی، که با انواع دروغ، تهمت از رادیو و تلویزیون دولتی همسرا است، همه وجه همین هدف را دنبال می‌کنند. ۲- بهاری از جناح‌های دولت و شورای انقلاب و محافظ وابسته به آن این طور وانمود می‌کنند که امپریالیسم می‌خواهد از راه کودتا این دولت «انقلابی» (۱) را براندازد. آنها حرکات محترانه «پس مانده‌های رژیم شاه» را بزرگ می‌کنند و فضا را از ابر ضمیمی از «توطئه‌های ضد انقلاب ابدیته می‌سازند. می گویند از مرزها سلطه وارد می‌شود. کردستان و ترکمن صحرا را کانون توطئه‌ی ضد انقلاب معرفی می‌کنند و سرآمر می‌بینیم بهداینجه

برای پیش برد امر مبارزه علیه امپریالیسم امریکا، از مهمترین ضرورت‌هاست. علامه باید دید که امپریالیسم جهانی سرکردگی امریکا امروز از چه راه‌هایی در مینماید ما عملی کند و چگونه می‌کوشد تا مواضعی را، که بر اثر قیام دلاورانه‌ی خلق‌های کشور، از دست داده است، دوباره تصرف نماید و وابستگی جامعه‌ی ایران را به سیستم جهانی امپریالیسم تحکیم بخشد.

می‌بینیم که بسیاری از سازمان‌های سیاسی، بخصوص آنها که به قدرت حکومتی رسیده‌اند، می‌کوشند تا امپریالیسم را بصورت موجود میب و فاش‌نشدنی تصویر کنند و مبارزه‌ی تودما را به انحراف بکشند. وقتی کارگران و زحمتکشان برای خواست‌های بحق خود مبارزه و اعتصاب می‌کنند، آنها فریاد بر سر می‌دهند که «توطئه امپریالیسم است». آنها مبارزات خلق‌های کرد و ترکمن و عرب و غیره را، که می‌خواهند حقوق ملی آنها در چهار چوب تمامیت ایران برسمیت شناخته شود، تجزیه طلبی مینامند. و با طرح‌های سازمان یافته‌ی برای سرکوب آنان، استفاده از احساسات پاک جوانان شهرهای دیگر، به دیگری سلطه‌ها بهرام می‌اندازند و بعد خودشان داد و فریاد بلند می‌کنند که «امپریالیسم برتری تجزیه‌ی ایران دارد توطئه می‌کند». وقتی سازمان‌های انقلابی گرایش‌های انحصارطلبانه و ارتجاعی مراکز قدرت را مورد انتقاد قرار میدهند یا زخم صدهای آنها بلند می‌شود که «توطئه ابر قدرت‌هاست». آنها از امپریالیسم یک موجود غیبی ساخته‌اند که همیشه حثت و هیچ‌جا نیست و گویای خواهد با «پس مانده‌های رژیم پیشین» که در نزدیکی هر کسی بطور بدست در زیر سلطه‌ی انحصاری مراکز قدرت قرار نگیرد دارد به توطئه‌ی کودتای امپریالیستی کمک می‌کند. این نوع برخورد با امپریالیسم و سلطه‌ی غارتگرانه‌ی آن هدفی جز گمراه کردن تودما و منحرف کردن ستم مبارزه‌ی آن را ندارد. تلاش گروه‌های راه، که در زمینه‌های اخیر می‌کوشیدند و امروز هم می‌کوشند تا با دروغ و فریب و جنجال ستم مبارزه‌ی تودما را به سوی «مبارزه با کمونیسم» برگردانند و از این راه امپریالیسم امریکا را در سایه قرار دهند، نیز باید در بررو همین خط مشی. انحصار طلبی مسود بر سر قرار داد. بهینم واقفا خطر امپریالیسم امروز از کدام ست است:

۱- ابتدا باید گفت که امپریالیسم بالاترین مرحله سرمایه‌داری است که از طریق انحصارات جهانی پایه‌های سلطه‌ی غارتگرانه‌ی آن در کشورهای نو مستقر بر وابستگی اقتصادی استوار است. مضم این حرف اینست است که تکیه‌گاه اصلی امپریالیسم در کشور ما اساساً سرمایه‌داران بزرگی هستند که اندامی استشار و حثیه‌های کارگران و زحمتکشان را تنها در وابستگی به امپریالیسم می‌دانند. امپریالیست‌ها بدان جهت در این کارخانه‌های رنگ و وارنگ و کوچک و بزرگ و موسسات کنت و صنعت و بازرگانی سرمایه‌گذاری کرده‌اند و اینهمه کارخانه‌ی جورواجور را بکثرت ما سرانبر کرده‌اند که همه‌ی تروت‌های طبیعی مینم ما و نیز حاصل دسترلیج ملوین‌ها کارگر و زحمتکش محروم خلق ما را، از راه بانک‌های دلال، بهجیب‌های خود سرازیر کنند. این منابع و بانک‌ها، چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی، از نظر سرمایه، مواد خام، تکنولوژی و بازار به بانک‌ها و کمپانی‌های

مهرگی کتاب‌هایی که سازمان اخیراً منتشر کرده است



اقتصاد سیاسی ۳

امیر-الله مهر



اقتصاد سیاسی ۲ و ۱

۱. ریشه‌ی ترمین معنی سربلندی
۲. سربلندی

این کتاب از جمله کتاب‌های است که توسط هواداران مسلحان ما ترجمه و تکمیل گردیده و در اختیار ما قرار گرفته است.

از آنجا که افکار آگاه جنبش تحریری و آزادیخواهی جهان می‌توانند در ارائه و تالیف سیاسی و پیشرو مبارزه تکنولوژی در سطح جنبش‌های واقع شود، ما با تألیف کوشش‌هایی که در جهت ترجمه اینگونه آرا می‌شود، اعلام به افکار آنها و از جمله این آرا می‌کنیم.

(لازم به ذکر است که چاپ این آرا از طرف بعضی لایق تمام مواضع مطرح شده در آرا از طرف سازمان نمی‌باشد)

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، ضمن ارج نهادن به کار و همت این دو کتاب، در حد امکانات خود در بهبود کپی ترجمه این آرا می‌کوشد و از کلیه خوانندگان مبارز این کتاب تشکر و قدردانی می‌کند. این کتاب‌ها در اختیار خود را در دسترس همه‌ی مبارزان و پیروان مبارزانه‌ی سازمان، برای ما ارسال دارند.

پیش نویس قانون اساسی، بر ضد منافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران است



بقیه از صفحه ۱

نیروهای سیاسی

با چه موضع و با چه هدفی در انتخابات شرکت می کنند

بودند. لیکن خلقهای قهرمان ایران باعتنا به نیلیات زهرآگین حزب توده و دیگر کارب نشان آتش طبقاتی امتال جبهه ملی و جناح سازشکار روحانیت پیش تاخند. حزب توده وقتی سرنگونی رژیم را نزدیک دید و دریافت که توده‌ها با قیام مسلحانه خود رژیم پهلوی را ساقط خواهند کرد، با زرنگی و عوامفریبی در آخرین روزها خود را طرفدار مبارزه مسلحانه جا زد. البته بدون آنکه کاری بسلاح و مبارزه مسلحانه داشته باشد.

پس از قیام خونین بهمن ماه و سرنگونی رژیم پهلوی، حزب توده برای تبلیغ شاربوج و عوامفریبانه «راه رشد غیر سرمایه‌داری» که ما در آینده در مقالات ترویجی نشریه کار نشان خواهیم داد که این شعار چیزی جز تبلیغ راه رشد سرمایه‌داری وابسته نیست، سیاسی بر علیه نیروهای مدافع طبقه کارگر را افزایش داد و امروز عملاً همه تلاش خود را برای بهانه‌تراشی می‌خوانند و بیشترانه حریفای مرزبانان طبقه کارگر و زحمتکشان و بورژوازی به کار می‌برد. سران حزب توده امروز نیز مانند گذشته می‌خواهند به پستی خیانت و پهنروهای انقلابی طبقه کارگر و با حمله به نیروهای دموکرات از بورژوازی امتیاز بگیرند.

این آقایان در گذشته نیز کوشیدند با حمله به نیروهای مدافع طبقه کارگر امتیاز بگیرند و اینک نیز برای گرفتن امتیاز از بورژوازی وارد صحنه سیاسی شده و مشعل گذشته مارکسیست - لنینیستها را «چپ افراطی» می‌خوانند و بیشترانه حریفای سابق را تکرار می‌کنند. اما جنبش انقلابی ایران با حیواری و آگاهی بیش از پیش بسر دهان ما به یاد کوپان منت خواهد کورید و با قاطعیت تمام منت این سلطان بورژوازی و این دلان آتشی طبقاتی را با خواهد کرد و نشان خواهد داد که صهیونیکات پشیمانانه حزب توده بر علیه نیروهای انقلابی مدافع طبقه کارگر ایران از کجا آب می‌خورند.

جبهه ملی نیز که بطور کلی پس از سرکوب خونین قیام ۱۵ خرداد و اوچ گیری دیکتاتوری کاغذ از صحنه مبارزات خلقهای ایران بیرون رفته و اساساً در جنبش حضور نداشت، با اوچ گرفتن مبارزات دلاورانه مردم، ششیر کهنه میراث طبقاتی جبهه را به دست گرفت و برای آتشی طبقاتی و گرفتن امتیاز از هیئت حاکمه وارد گرد شد.

در اوچ مبارزات، هنگامی که کارگران و زحمتکشان ایران یکسدا خواستار سرنگونی رژیم شاهنشاهی بودند، سران جبهه ملی شار کهنه «شاه باید سلطنت کند نه حکومت» که در اوچ مبارزات خلقها، بهخواست امپریالیسم امروچ تبدیل شده بود، عنوان کردند و بدین ترتیب کوشیدند رژیم را از سقوط محتسب برهاند سران جبهه ملی که با ادامه مبارزات خلقهای ایران منافع سرمایه‌داری یعنی منافع خود را درخطر می‌دیدند، مذبحونه کوشیدند مردم را از دامن تزارهای سرنگونی مثل «مرگبرشته» و «دفا سگ زنجیری آمریکا» و امتال

اصلاحات دروغین شاه که برای هوار شدن راه‌رشد سرمایه‌داری وابسته و به دستور امپریالیسم امریکا صورت می‌گرفت، اصلاحات ارضی و «انقلاب» ضد انقلابی شاه را تأیید کردند و آن را گامی مثبت و انبود ساختند.

در آن زمان سران حزب توده امیدوار بودند که با ستایش از بورژوازی وابسته و به بهای خیانت و دشمنی با جنبش خلقهای ایران بطور اعم و جنبش طبقه کارگر بطور احسن امتیاز اختصاصی اجازه فعالیت علنی از رژیم بگیرند لیا بورژوازی وابسته ایران و دربار شاه، احقرت از آن بودند که از این امتیاز استفاده کنند و حزب توده را به عنوان وسیله‌ای مناسب برای فریب توده‌ها به کار گیرند. لیکن تنگیلات جاسوسی رژیم این هویشاری را داشت که بتواند از لیبرالیسم حاکم بر حزب که مخالف تنگیلات آتشین انقلابی بود به بهترین وجهی استفاده کند.

حزب توده عملاً در دهه چهل یعنی در فاصله سالهای ۲۱ تا ۲۹ در دام جاسوسی چینون عباس شهریار ایفاد و نزدیک به ده سال به آلت دست ساواک تبدیل شد و صدها تن از مردم مبارز ایران را به تیغ جلادان رژیم سپرد. این رسوایی و رسوایی همکاری سران حزب با جلاد و رهبر ساواک تیمور بختیار که بهترین فرزندان این مرزوبوم را به شهادت رسانده بود، باعث شدت پیشدیند بهی‌اعتمادی مردم بویژه طبقه کارگر از هر گونه تنگیلات سیاسی شد. بطوری که پس از افشای ماجرای عباس شهریار مردم می‌گفتند در راس هر تنگیلات سیاسی که در ایران درست شود، جاسوسان امپریالیسم و عناصر ساواک قرار دارند.

بدینی مرگبار و کشته‌ای که در کارگران، زحمتکشان و همه مردم ما، به علت خیانتی سران حزب توده پدید آمده بود آنقدر ضمیم بود که جنبش نوین کمونیستی ایران نتوانست با نثار خون مدحا شهید فدایی توانست تنگی را که سران حزب توده به دامن پنهانگی گذاشته بودند، پاک کند. از آغاز دهه پنجاه که جنبش نوین کمونیستی ایران با مبارزات فدا کارانه خود علیه رژیم، با بهر همه وجود گذاشت، سران حزب توده به دشمنی با جنبش انقلابی ایران برخاستند و بار دیگر کوشیدند با حمله به نیروی مدافع طبقه کارگر یعنی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، امتیاز فعالیت علنی از رژیم شاه دریافت کنند.

با اوچگیری مبارزات خلقهای ایران مردم ساله گذشته حزب توده همجا به تبلیغ آتشی طبقاتی و سازش با بورژوازی پرداخت و کوشیدند در توده‌ها این توهم را ایجاد کنند که اگر با «جناح دوردانش» طبقه حاکمه یعنی با بورژوازی وابسته به امپریالیسم سازش کنند به نفع آنها است. در بیجوه مبارزات مردم، روزنیستهای حزب توده به تظاهرات قهرآمیز مردمی که می‌خواستند با ختم انقلابی خود توهم رژیم پهلوی را درهم بپیچند حمله می‌کرد و بارها در اعلامیه و بیانیه‌های اسلام داشت آنها را که تظاهرات مالمت آمیز مردم را به مبارزات قهرآمیز تبدیل می‌کنند اوپاشی و وابسته به رژیم هستند که البته هدف حمله آنها نیروهای انقلابی مدافع طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۱

تنها شوراهای کارگران، دهقانان...

از لندن، پس از شکست آلمان نازی به پاریس نمی‌آمد که حکومتش با همکاری کمونیستها و سوسیالیستها تشکیل دهد؛ این‌بار از بادن بادن، پس از ملاقات با ژنرالهای دسترانی فرانسوی ساکن پایگاه فرانسه در آلمان، به پاریس می‌آید تا به حکومت سوسیالیست و پشیات جمهوری چهارم یعنی باصلاح بمکراسی بورژوازی فرانسه خاتمه دهد. این‌بار دوکول، برخلاف ۱۹۴۵، عوانی انحصارگرایانه داشت و میخواست قدرت را بطور دریمت درخمدت بورژوازی انحصاری فرانسه قرار دهد. اختیارات وسیع «شورای قانون اساسی» ۱۹۵۸ را از این دیدگاه باید مورد توجه قرار داد.

اسول ۱۹۲۲، ۱۹۲۳، ۱۹۲۴، ۱۹۲۵، ۱۹۲۶، ۱۹۲۷، ۱۹۲۸، ۱۹۲۹، ۱۹۳۰، ۱۹۳۱، ۱۹۳۲، ۱۹۳۳، ۱۹۳۴، ۱۹۳۵، ۱۹۳۶، ۱۹۳۷، ۱۹۳۸، ۱۹۳۹، ۱۹۴۰، ۱۹۴۱، ۱۹۴۲، ۱۹۴۳، ۱۹۴۴، ۱۹۴۵، ۱۹۴۶، ۱۹۴۷، ۱۹۴۸، ۱۹۴۹، ۱۹۵۰، ۱۹۵۱، ۱۹۵۲، ۱۹۵۳، ۱۹۵۴، ۱۹۵۵، ۱۹۵۶، ۱۹۵۷، ۱۹۵۸، ۱۹۵۹، ۱۹۶۰، ۱۹۶۱، ۱۹۶۲، ۱۹۶۳، ۱۹۶۴، ۱۹۶۵، ۱۹۶۶، ۱۹۶۷، ۱۹۶۸، ۱۹۶۹، ۱۹۷۰، ۱۹۷۱، ۱۹۷۲، ۱۹۷۳، ۱۹۷۴، ۱۹۷۵، ۱۹۷۶، ۱۹۷۷، ۱۹۷۸، ۱۹۷۹، ۱۹۸۰، ۱۹۸۱، ۱۹۸۲، ۱۹۸۳، ۱۹۸۴، ۱۹۸۵، ۱۹۸۶، ۱۹۸۷، ۱۹۸۸، ۱۹۸۹، ۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۱۹۹۳، ۱۹۹۴، ۱۹۹۵، ۱۹۹۶، ۱۹۹۷، ۱۹۹۸، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۱۰، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲، ۲۰۱۳، ۲۰۱۴، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶، ۲۰۱۷، ۲۰۱۸، ۲۰۱۹، ۲۰۲۰، ۲۰۲۱، ۲۰۲۲، ۲۰۲۳، ۲۰۲۴، ۲۰۲۵، ۲۰۲۶، ۲۰۲۷، ۲۰۲۸، ۲۰۲۹، ۲۰۳۰، ۲۰۳۱، ۲۰۳۲، ۲۰۳۳، ۲۰۳۴، ۲۰۳۵، ۲۰۳۶، ۲۰۳۷، ۲۰۳۸، ۲۰۳۹، ۲۰۴۰، ۲۰۴۱، ۲۰۴۲، ۲۰۴۳، ۲۰۴۴، ۲۰۴۵، ۲۰۴۶، ۲۰۴۷، ۲۰۴۸، ۲۰۴۹، ۲۰۵۰، ۲۰۵۱، ۲۰۵۲، ۲۰۵۳، ۲۰۵۴، ۲۰۵۵، ۲۰۵۶، ۲۰۵۷، ۲۰۵۸، ۲۰۵۹، ۲۰۶۰، ۲۰۶۱، ۲۰۶۲، ۲۰۶۳، ۲۰۶۴، ۲۰۶۵، ۲۰۶۶، ۲۰۶۷، ۲۰۶۸، ۲۰۶۹، ۲۰۷۰، ۲۰۷۱، ۲۰۷۲، ۲۰۷۳، ۲۰۷۴، ۲۰۷۵، ۲۰۷۶، ۲۰۷۷، ۲۰۷۸، ۲۰۷۹، ۲۰۸۰، ۲۰۸۱، ۲۰۸۲، ۲۰۸۳، ۲۰۸۴، ۲۰۸۵، ۲۰۸۶، ۲۰۸۷، ۲۰۸۸، ۲۰۸۹، ۲۰۹۰، ۲۰۹۱، ۲۰۹۲، ۲۰۹۳، ۲۰۹۴، ۲۰۹۵، ۲۰۹۶، ۲۰۹۷، ۲۰۹۸، ۲۰۹۹، ۲۱۰۰، ۲۱۰۱، ۲۱۰۲، ۲۱۰۳، ۲۱۰۴، ۲۱۰۵، ۲۱۰۶، ۲۱۰۷، ۲۱۰۸، ۲۱۰۹، ۲۱۱۰، ۲۱۱۱، ۲۱۱۲، ۲۱۱۳، ۲۱۱۴، ۲۱۱۵، ۲۱۱۶، ۲۱۱۷، ۲۱۱۸، ۲۱۱۹، ۲۱۲۰، ۲۱۲۱، ۲۱۲۲، ۲۱۲۳، ۲۱۲۴، ۲۱۲۵، ۲۱۲۶، ۲۱۲۷، ۲۱۲۸، ۲۱۲۹، ۲۱۳۰، ۲۱۳۱، ۲۱۳۲، ۲۱۳۳، ۲۱۳۴، ۲۱۳۵، ۲۱۳۶، ۲۱۳۷، ۲۱۳۸، ۲۱۳۹، ۲۱۴۰، ۲۱۴۱، ۲۱۴۲، ۲۱۴۳، ۲۱۴۴، ۲۱۴۵، ۲۱۴۶، ۲۱۴۷، ۲۱۴۸، ۲۱۴۹، ۲۱۵۰، ۲۱۵۱، ۲۱۵۲، ۲۱۵۳، ۲۱۵۴، ۲۱۵۵، ۲۱۵۶، ۲۱۵۷، ۲۱۵۸، ۲۱۵۹، ۲۱۶۰، ۲۱۶۱، ۲۱۶۲، ۲۱۶۳، ۲۱۶۴، ۲۱۶۵، ۲۱۶۶، ۲۱۶۷، ۲۱۶۸، ۲۱۶۹، ۲۱۷۰، ۲۱۷۱، ۲۱۷۲، ۲۱۷۳، ۲۱۷۴، ۲۱۷۵، ۲۱۷۶، ۲۱۷۷، ۲۱۷۸، ۲۱۷۹، ۲۱۸۰، ۲۱۸۱، ۲۱۸۲، ۲۱۸۳، ۲۱۸۴، ۲۱۸۵، ۲۱۸۶، ۲۱۸۷، ۲۱۸۸، ۲۱۸۹، ۲۱۹۰، ۲۱۹۱، ۲۱۹۲، ۲۱۹۳، ۲۱۹۴، ۲۱۹۵، ۲۱۹۶، ۲۱۹۷، ۲۱۹۸، ۲۱۹۹، ۲۲۰۰، ۲۲۰۱، ۲۲۰۲، ۲۲۰۳، ۲۲۰۴، ۲۲۰۵، ۲۲۰۶، ۲۲۰۷، ۲۲۰۸، ۲۲۰۹، ۲۲۱۰، ۲۲۱۱، ۲۲۱۲، ۲۲۱۳، ۲۲۱۴، ۲۲۱۵، ۲۲۱۶، ۲۲۱۷، ۲۲۱۸، ۲۲۱۹، ۲۲۲۰، ۲۲۲۱، ۲۲۲۲، ۲۲۲۳، ۲۲۲۴، ۲۲۲۵، ۲۲۲۶، ۲۲۲۷، ۲۲۲۸، ۲۲۲۹، ۲۲۳۰، ۲۲۳۱، ۲۲۳۲، ۲۲۳۳، ۲۲۳۴، ۲۲۳۵، ۲۲۳۶، ۲۲۳۷، ۲۲۳۸، ۲۲۳۹، ۲۲۴۰، ۲۲۴۱، ۲۲۴۲، ۲۲۴۳، ۲۲۴۴، ۲۲۴۵، ۲۲۴۶، ۲۲۴۷، ۲۲۴۸، ۲۲۴۹، ۲۲۵۰، ۲۲۵۱، ۲۲۵۲، ۲۲۵۳، ۲۲۵۴، ۲۲۵۵، ۲۲۵۶، ۲۲۵۷، ۲۲۵۸، ۲۲۵۹، ۲۲۶۰، ۲۲۶۱، ۲۲۶۲، ۲۲۶۳، ۲۲۶۴، ۲۲۶۵، ۲۲۶۶، ۲۲۶۷، ۲۲۶۸، ۲۲۶۹، ۲۲۷۰، ۲۲۷۱، ۲۲۷۲، ۲۲۷۳، ۲۲۷۴، ۲۲۷۵، ۲۲۷۶، ۲۲۷۷، ۲۲۷۸، ۲۲۷۹، ۲۲۸۰، ۲۲۸۱، ۲۲۸۲، ۲۲۸۳، ۲۲۸۴، ۲۲۸۵، ۲۲۸۶، ۲۲۸۷، ۲۲۸۸، ۲۲۸۹، ۲۲۹۰، ۲۲۹۱، ۲۲۹۲، ۲۲۹۳، ۲۲۹۴، ۲۲۹۵، ۲۲۹۶، ۲۲۹۷، ۲۲۹۸، ۲۲۹۹، ۲۳۰۰، ۲۳۰۱، ۲۳۰۲، ۲۳۰۳، ۲۳۰۴، ۲۳۰۵، ۲۳۰۶، ۲۳۰۷، ۲۳۰۸، ۲۳۰۹، ۲۳۱۰، ۲۳۱۱، ۲۳۱۲، ۲۳۱۳، ۲۳۱۴، ۲۳۱۵، ۲۳۱۶، ۲۳۱۷، ۲۳۱۸، ۲۳۱۹، ۲۳۲۰، ۲۳۲۱، ۲۳۲۲، ۲۳۲۳، ۲۳۲۴، ۲۳۲۵، ۲۳۲۶، ۲۳۲۷، ۲۳۲۸، ۲۳۲۹، ۲۳۳۰، ۲۳۳۱، ۲۳۳۲، ۲۳۳۳، ۲۳۳۴، ۲۳۳۵، ۲۳۳۶، ۲۳۳۷، ۲۳۳۸، ۲۳۳۹، ۲۳۴۰، ۲۳۴۱، ۲۳۴۲، ۲۳۴۳، ۲۳۴۴، ۲۳۴۵، ۲۳۴۶، ۲۳۴۷، ۲۳۴۸، ۲۳۴۹، ۲۳۵۰، ۲۳۵۱، ۲۳۵۲، ۲۳۵۳، ۲۳۵۴، ۲۳۵۵، ۲۳۵۶، ۲۳۵۷، ۲۳۵۸، ۲۳۵۹، ۲۳۶۰، ۲۳۶۱، ۲۳۶۲، ۲۳۶۳، ۲۳۶۴، ۲۳۶۵، ۲۳۶۶، ۲۳۶۷، ۲۳۶۸، ۲۳۶۹، ۲۳۷۰، ۲۳۷۱، ۲۳۷۲، ۲۳۷۳، ۲۳۷۴، ۲۳۷۵، ۲۳۷۶، ۲۳۷۷، ۲۳۷۸، ۲۳۷۹، ۲۳۸۰، ۲۳۸۱، ۲۳۸۲، ۲۳۸۳، ۲۳۸۴، ۲۳۸۵، ۲۳۸۶، ۲۳۸۷، ۲۳۸۸، ۲۳۸۹، ۲۳۹۰، ۲۳۹۱، ۲۳۹۲، ۲۳۹۳، ۲۳۹۴، ۲۳۹۵، ۲۳۹۶، ۲۳۹۷، ۲۳۹۸، ۲۳۹۹، ۲۴۰۰، ۲۴۰۱، ۲۴۰۲، ۲۴۰۳، ۲۴۰۴، ۲۴۰۵، ۲۴۰۶، ۲۴۰۷، ۲۴۰۸، ۲۴۰۹، ۲۴۱۰، ۲۴۱۱، ۲۴۱۲، ۲۴۱۳، ۲۴۱۴، ۲۴۱۵، ۲۴۱۶، ۲۴۱۷، ۲۴۱۸، ۲۴۱۹، ۲۴۲۰، ۲۴۲۱، ۲۴۲۲، ۲۴۲۳، ۲۴۲۴، ۲۴۲۵، ۲۴۲۶، ۲۴۲۷، ۲۴۲۸، ۲۴۲۹، ۲۴۳۰، ۲۴۳۱، ۲۴۳۲، ۲۴۳۳، ۲۴۳۴، ۲۴۳۵، ۲۴۳۶، ۲۴۳۷، ۲۴۳۸، ۲۴۳۹، ۲۴۴۰، ۲۴۴۱، ۲۴۴۲، ۲۴۴۳، ۲۴۴۴، ۲۴۴۵، ۲۴۴۶، ۲۴۴۷، ۲۴۴۸، ۲۴۴۹، ۲۴۵۰، ۲۴۵۱، ۲۴۵۲، ۲۴۵۳، ۲۴۵۴، ۲۴۵۵، ۲۴۵۶، ۲۴۵۷، ۲۴۵۸، ۲۴۵۹، ۲۴۶۰، ۲۴۶۱، ۲۴۶۲، ۲۴۶۳، ۲۴۶۴، ۲۴۶۵، ۲۴۶۶، ۲۴۶۷، ۲۴۶۸، ۲۴۶۹، ۲۴۷۰، ۲۴۷۱، ۲۴۷۲، ۲۴۷۳، ۲۴۷۴، ۲۴۷۵، ۲۴۷۶، ۲۴۷۷، ۲۴۷۸، ۲۴۷۹، ۲۴۸۰، ۲۴۸۱، ۲۴۸۲، ۲۴۸۳، ۲۴۸۴، ۲۴۸۵، ۲۴۸۶، ۲۴۸۷، ۲۴۸۸، ۲۴۸۹، ۲۴۹۰، ۲۴۹۱، ۲۴۹۲، ۲۴۹۳، ۲۴۹۴، ۲۴۹۵، ۲۴۹۶، ۲۴۹۷، ۲۴۹۸، ۲۴۹۹، ۲۵۰۰، ۲۵۰۱، ۲۵۰۲، ۲۵۰۳، ۲۵۰۴، ۲۵۰۵، ۲۵۰۶، ۲۵۰۷، ۲۵۰۸، ۲۵۰۹، ۲۵۱۰، ۲۵۱۱، ۲۵۱۲، ۲۵۱۳، ۲۵۱۴، ۲۵۱۵، ۲۵۱۶، ۲۵۱۷، ۲۵۱۸، ۲۵۱۹، ۲۵۲۰، ۲۵۲۱، ۲۵۲۲، ۲۵۲۳، ۲۵۲۴، ۲۵۲۵، ۲۵۲۶، ۲۵۲۷، ۲۵۲۸، ۲۵۲۹، ۲۵۳۰، ۲۵۳۱، ۲۵۳۲، ۲۵۳۳، ۲۵۳۴، ۲۵۳۵، ۲۵۳۶، ۲۵۳۷، ۲۵۳۸، ۲۵۳۹، ۲۵۴۰، ۲۵۴۱، ۲۵۴۲، ۲۵۴۳، ۲۵۴۴، ۲۵۴۵، ۲۵۴۶، ۲۵۴۷، ۲۵۴۸، ۲۵۴۹، ۲۵۵۰، ۲۵۵۱، ۲۵۵۲، ۲۵۵۳، ۲۵۵۴، ۲۵۵۵، ۲۵۵۶، ۲۵۵۷، ۲۵۵۸، ۲۵۵۹، ۲۵۶۰، ۲۵۶۱، ۲۵۶۲، ۲۵۶۳، ۲۵۶۴، ۲۵۶۵، ۲۵۶۶، ۲۵۶۷، ۲۵۶۸، ۲۵۶۹، ۲۵۷۰، ۲۵۷۱، ۲۵۷۲، ۲۵۷۳، ۲۵۷۴، ۲۵۷۵، ۲۵۷۶، ۲۵۷۷، ۲۵۷۸، ۲۵۷۹، ۲۵۸۰، ۲۵۸۱، ۲۵۸۲، ۲۵۸۳، ۲۵۸۴، ۲۵۸۵، ۲۵۸۶، ۲۵۸۷، ۲۵۸۸، ۲۵۸۹، ۲۵۹۰، ۲۵۹۱، ۲۵۹۲، ۲۵۹۳، ۲۵۹۴، ۲۵۹۵، ۲۵۹۶، ۲۵۹۷، ۲۵۹۸، ۲۵۹۹، ۲۶۰۰، ۲۶۰۱، ۲۶۰۲، ۲۶۰۳، ۲۶۰۴، ۲۶۰۵، ۲۶۰۶، ۲۶۰۷، ۲۶۰۸، ۲۶۰۹، ۲۶۱۰، ۲۶۱۱، ۲۶۱۲، ۲۶۱۳، ۲۶۱۴، ۲۶۱۵، ۲۶۱۶، ۲۶۱۷، ۲۶۱۸، ۲۶۱۹، ۲۶۲۰، ۲۶۲۱، ۲۶۲۲، ۲۶۲۳، ۲۶۲۴، ۲۶۲۵، ۲۶۲۶، ۲۶۲۷، ۲۶۲۸، ۲۶۲۹، ۲۶۳۰، ۲۶۳۱، ۲۶۳۲، ۲۶۳۳، ۲۶۳۴، ۲۶۳۵، ۲۶۳۶، ۲۶۳۷، ۲۶۳۸، ۲۶۳۹، ۲۶۴۰، ۲۶۴۱، ۲۶۴۲، ۲۶۴۳، ۲۶۴۴، ۲۶۴۵، ۲۶۴۶، ۲۶۴۷، ۲۶۴۸، ۲۶۴۹، ۲۶۵۰، ۲۶۵۱، ۲۶۵۲، ۲۶۵۳، ۲۶۵۴، ۲۶۵۵، ۲۶۵۶، ۲۶۵۷، ۲۶۵۸، ۲۶۵۹، ۲۶۶۰، ۲۶۶۱، ۲۶۶۲، ۲۶۶۳، ۲۶۶۴، ۲۶۶۵، ۲۶۶۶، ۲۶۶۷، ۲۶۶۸، ۲۶۶۹، ۲۶۷۰، ۲۶۷۱، ۲۶۷۲، ۲۶۷۳، ۲۶۷۴، ۲۶۷۵، ۲۶۷۶، ۲۶۷۷، ۲۶۷۸، ۲۶۷۹، ۲۶۸۰، ۲۶۸۱، ۲۶۸۲، ۲۶۸۳، ۲۶۸۴، ۲۶۸۵، ۲۶۸۶، ۲۶۸۷، ۲۶۸۸، ۲۶۸۹، ۲۶۹۰، ۲۶۹۱، ۲۶۹۲، ۲۶۹۳، ۲۶۹۴، ۲۶۹۵، ۲۶۹۶، ۲۶۹۷، ۲۶۹۸، ۲۶۹۹، ۲۷۰۰، ۲۷۰۱، ۲۷۰۲، ۲۷۰۳، ۲۷۰۴، ۲۷۰۵، ۲۷۰۶، ۲۷۰۷، ۲۷۰۸، ۲۷۰۹، ۲۷۱۰، ۲۷۱۱، ۲۷۱۲، ۲۷۱۳، ۲۷۱۴، ۲۷۱۵، ۲۷۱۶، ۲۷۱۷، ۲۷۱۸، ۲۷۱۹، ۲۷۲۰، ۲۷۲۱، ۲۷۲۲، ۲۷۲۳، ۲۷۲۴، ۲۷۲۵، ۲۷۲۶، ۲۷۲۷، ۲۷۲۸، ۲۷۲۹، ۲۷۳۰، ۲۷۳۱، ۲۷۳۲، ۲۷۳۳، ۲۷۳۴، ۲۷۳۵، ۲۷۳۶، ۲۷۳۷، ۲۷۳۸، ۲۷۳۹، ۲۷۴۰، ۲۷۴۱، ۲۷۴۲، ۲۷۴۳، ۲۷۴۴، ۲۷۴۵، ۲۷۴۶، ۲۷۴۷، ۲۷۴۸، ۲۷۴۹، ۲۷۵۰، ۲۷۵۱، ۲۷۵۲، ۲۷۵۳، ۲۷۵۴، ۲۷۵۵، ۲۷۵۶، ۲۷۵۷، ۲۷۵۸، ۲۷۵۹، ۲۷۶۰، ۲۷۶۱، ۲۷۶۲، ۲۷۶۳، ۲۷۶۴، ۲۷۶۵، ۲۷۶۶، ۲۷۶۷، ۲۷۶۸، ۲۷۶۹، ۲۷۷۰، ۲۷۷۱، ۲۷۷۲، ۲۷۷۳، ۲۷۷۴، ۲۷۷۵، ۲۷۷۶، ۲۷۷۷، ۲۷۷۸، ۲۷۷۹، ۲۷۸۰، ۲۷۸۱، ۲۷۸۲، ۲۷۸۳، ۲۷۸۴، ۲۷۸۵، ۲۷۸۶، ۲۷۸۷، ۲۷۸۸، ۲۷۸۹، ۲۷۹۰، ۲۷۹۱، ۲۷۹۲، ۲۷۹۳، ۲۷۹۴، ۲۷۹۵، ۲۷۹۶، ۲۷۹۷، ۲۷۹۸، ۲۷۹۹، ۲۸۰۰، ۲۸۰۱، ۲۸۰۲، ۲۸۰۳، ۲۸۰۴، ۲۸۰۵، ۲۸۰۶، ۲۸۰۷، ۲۸۰۸، ۲۸۰۹، ۲۸۱۰، ۲۸۱۱، ۲۸۱۲، ۲۸۱۳، ۲۸۱۴، ۲۸۱۵، ۲۸۱۶، ۲۸۱۷، ۲۸۱۸، ۲۸۱۹، ۲۸۲۰، ۲۸۲۱، ۲۸۲۲، ۲۸۲۳، ۲۸۲۴، ۲۸۲۵، ۲۸۲۶، ۲۸۲۷، ۲۸۲۸، ۲۸۲۹، ۲۸۳۰، ۲۸۳۱، ۲۸۳۲، ۲۸۳۳، ۲۸۳۴، ۲۸۳۵، ۲۸۳۶، ۲۸۳۷، ۲۸۳۸، ۲۸۳۹، ۲۸۴۰، ۲۸۴۱، ۲۸۴۲، ۲۸۴۳، ۲۸۴۴، ۲۸۴۵، ۲۸۴۶، ۲۸۴۷، ۲۸۴۸، ۲۸۴۹، ۲۸۵۰، ۲۸۵۱، ۲۸۵۲، ۲۸۵۳، ۲۸۵۴، ۲۸۵۵، ۲۸۵۶، ۲۸۵۷، ۲۸۵۸، ۲۸۵۹، ۲۸۶۰، ۲۸۶۱، ۲۸۶۲، ۲۸۶۳، ۲۸۶۴، ۲۸۶۵، ۲۸۶۶، ۲۸۶۷، ۲۸۶۸، ۲۸۶۹، ۲۸۷۰، ۲۸۷۱، ۲۸۷۲، ۲۸۷۳، ۲۸۷۴، ۲۸۷۵، ۲۸۷۶، ۲۸۷۷، ۲۸۷۸، ۲۸۷۹، ۲۸۸۰، ۲۸۸۱، ۲۸۸۲، ۲۸۸۳، ۲۸۸۴، ۲۸۸۵، ۲۸۸۶، ۲۸۸۷، ۲۸۸۸، ۲۸۸۹، ۲۸۹۰، ۲۸۹۱، ۲۸۹۲، ۲۸۹۳، ۲۸۹۴، ۲۸۹۵، ۲۸۹۶، ۲۸۹۷، ۲۸۹۸، ۲۸۹۹، ۲۹۰۰، ۲۹۰۱، ۲۹۰۲، ۲۹۰۳، ۲۹۰۴، ۲۹۰۵، ۲۹۰۶، ۲۹۰۷، ۲۹۰۸، ۲۹۰۹، ۲۹۱۰، ۲۹۱۱، ۲۹۱۲، ۲۹۱۳، ۲۹۱۴، ۲۹۱۵، ۲۹۱۶، ۲۹۱۷، ۲۹۱۸، ۲۹۱۹، ۲۹۲۰، ۲۹۲۱، ۲۹۲۲، ۲۹۲۳، ۲۹۲۴،

مردم قضاوت کنید که آیا آزادی فعالیت‌های انتخابی تضمین شده است؟

مردم قضاوت کنید که آیا آزادی فعالیت‌های انتخابی تضمین شده است؟

روز یکشنبه ۵۸۵۷۷ دعوت هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران متینگ‌در آمل برگزار شد. در این متینگ که چندین هزار نفر از اهالی شهرستان آمل و حومه شرکت داشتند تا دکتر فردوس چشیدی‌روس پاری کاندیدای هواداران در مازندران در باره پیش نویس قانون اساسی سخنرانی کند. اما از همان ابتدای مراسم تعدادی از افراد اخلاک‌گر که ماعتی ضد مردمی آنها بسیاری اهالی شهر روشن است قصد برهم زدن متینگ و درگیری را داشتند. انتظامات و هم‌مرکز کنندگان با شمار درود بردنایی مرکز اجتماع اخلاک‌گران را از محوطه خارج نمودند اما هنوز چند دقیقه‌ای نگذشته بود که اخلاک‌گران

در حالیکه يك آخوندپیش‌آنها حرکت میکرد و شمارهای رکیک و زنده می‌دادند. و با سنگ. آجر و چماق به جمعیت حمله کردند. اما مردم با تانت آنها را از محل مراسم دور کردند. اخلاک‌گران در بیرون محل برگزاری متینگ به تضرک هارین پرداختند و شایع کردند که کمیونیت‌ها يك آخوند را مجروح کردند. اما هویشاری مردم توطئه‌های آنها را نقش بر آب کرد. در این میان اخلاک‌گران با جیب‌آوری دهها نفر از عناصر ناآگاه که اکثر افراد ۱۵ تا ۱۶ ساله بودند، مجدداً قصد حمله بر مردم داشتند. مردم طریقه این‌که شدیداً به پیش‌آمده بودند، قادر بودند که جواب دندان شکنی به این مزدوران مرتجع بدهند، بازم تانت انتخاباتی.

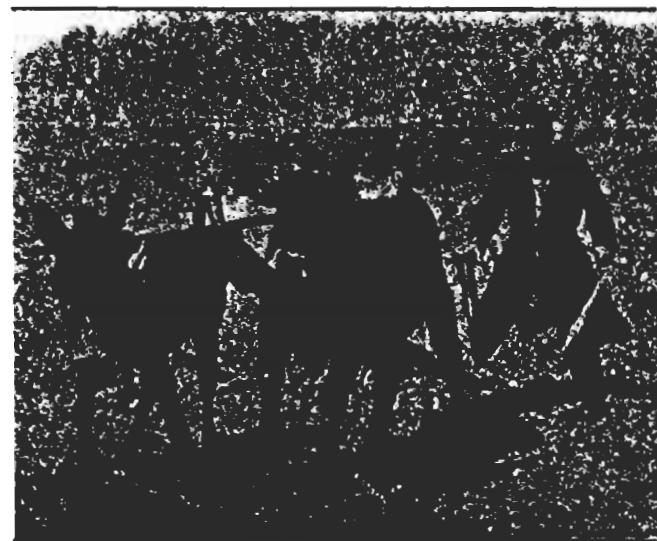
خود را حفظ کردند. افراد مسلح کیت نیز بعد از تاخیر زیاد بمحل آمدند و پارای از آنها بجای دور کردن اخلاک‌گران با دودوزه بازی به درگیری دامن می‌زدند. اخلاک‌گران مرتجع سپس بسوی کتاب فروشی پویا حمله کردند، کتابها را پاره نمودند درونجرها را شکستند. بعد از آن بسوی کتابخانه محلی جزئی دفتر دانش آموزان و دانشجویان پیشگام و کانون مطمان پیشگام حمله کردند و تمام وسائل را بنارت بردند این نمونه‌ای از اقداماتی است که در روزهای اخیر از جانب مرتجعین و با حمایت دولت بر علیه نیروهای مترقی صورت می‌گیرد و نمونه‌ای است از آزادی ادعائی حیث حاکم کنونی در مورد آزادی فعالیت‌های انتخاباتی.

چنگال بی رحم واسطه‌ها بز حلقوم کشاورزان

چنگال بی رحم واسطه‌ها بر حلقوم کشاورزان در رژیم گننت رباخواران، بانک‌ها واسطه‌ها با بانک‌ها لئو نشده در حالیکه دهقانان چندین محصولات خود را در اختیار آنان بگذارند. مثلا دهقانان مجبور بودند بلافاصله پس از برداشت محصول آنرا بفروش برسانند تا بدین سال قبل خود را با بانک‌ها و رباخواران بپردازند در این مرحله چون دولت در جهت منافع سرمایه داران خارجی به وارد کردن محصولات از خارج می‌پرداخت هیچ گونه حمایتی از دهقانان بعمل نمی‌آورد. واسطه‌ها نیز تا آنجا که می‌توانستند محصول را ارزان می‌خریدند و گران به‌صرف می‌فروختند. اینجا نیز مقدار زیادی از حاصل کار دهقانان بجای آنکه نصیب خود و خانواده می‌گردد به جیب دلالان و واسطه‌ها می‌رفت. بنابراین از یک طرف بانک‌ها و رباخواران، از طرف دیگر واسطه‌ها و دلالان و از سوی هم بی‌توجهی صدها دولت، روز بروز دهقانان همیشه محروم می‌مانند و در شرایط سخت زندگی قرار می‌دهند (و همچنان نیز می‌دهند) اما اکنون دهقانان می‌خواهند که دست واسطه‌ها کوتاه شود دولت محصولات را به قیمت عادلانه‌ای از آنها خریداری کند.

بهرای گننت و حال آنها را به بانک‌ها و موسسات که عری حاصل کارشان را بجهت صاحبان این بانک‌ها ریخته‌اند لئو کند و ... در زیر دوشیر از روستاهای ایران در مورد فشاری که واسطه‌ها و دلال‌ها به دهقانان وارد می‌کنند می‌خوانید.

سپاهک - کشاورزان اطراف سپاهک خواستار آنند که هرچه زودتر دست سرمایه داران انگل و دلالان از سر آنها کوتاه شود و دلالان را بستاند.



دانش آموزان در اعتراض به بسته بودن مدارس در تابستان قطعنامه‌ای صادر کردند: تنها با تلاش و همکاری تمامی دانش آموزان است که فرهنگ متعهد و انقلابی زنده می‌گردد

«ما ضمن محکوم نمودن این بخش‌نامه صراحتاً از وزارت آموزش و پرورش خواستار لغو آن هستیم و پیگیرانه می‌خواهیم که هیچ بخش‌نامه‌ای را بدون در نظر گرفتن خواست دانش‌آموزان صادر یا لغو ننماید.» و اعلام داشتند برای اطلاع یافتن از نتیجه در روز دوشنبه ۲۵ تیر در ساعت ۹ صبح در جلوی وزارت آموزش و پرورش جمع می‌شوند.

روز دوشنبه که دانش‌آموزان به آموزش و پرورش آمدند با تعداد زیادی پاسدار که از قبل در منطقه مستقر شده بودند روبرو شدند در این روز نماینده آموزش و پرورش نیز برای دانش‌آموزان سخنرانی کرد و با تفسیر آنان را دعوت به اطاعت از فرمانهای آموزش و پرورش نمود، دانش‌آموزان نیز چون نتیجه‌ای نگرفتند تصمیم گرفتند خودشان دست بکار شوند. دانش‌آموزان هنگام متفرق شدن می‌گفتند:

فرهنگ متعهد و انقلابی و روحیه و شور مبارزاتی دانش‌آموزان فقط با تلاش و اتحاد و همکاری خود آنها زنده می‌شود، امید است به مسئولان و مقامات تشنگ نظر، کاری عیب و بی‌فایده است.

روز چهارشنبه ۲۵ تیر ماه ۵۸ گروهی از دانش‌آموزان دبیرستانهای مرجان دختران مرجان پسران، راهنمایی مرجان، خوارزمی شماره ۲، تریا، ورجاوند، انوشیروان دادگر آذرشماره ۳، نوربخش، به‌آنبن، ۲۲ بهمن صالح، هنرودی و ... در دانشگاه تهران اجتماع کردند و طی حضور قطعنامه‌ای از آموزش و پرورش خواستند که اجازه فعالیت تحصیلی در مدارس را به آنها بدهد.

در قستی از این قطعنامه آمده است: «مگر نه اینکه مدارس در زمان شاه ضحور زلدان فرهنگ متعهد و در مقابل، محل تاخت و تاز پوسیدگی‌های فرهنگ استعماری بود و مگر نه اینکه دانش‌آموزان کشورمان به هم‌راهی رستم‌کنان مردم شنیده هم‌پرده شد تا به‌همراه دهن رژیم گننت، فرهنگ پوسیده‌اش را نیز دفن کنند؟»

و در ادامه آمده است:

«در چنین اوضاع و احوالی است که از طرف آموزش و پرورش بخش‌نامه‌ای مبنی بر بستن مدارس در طول تابستان و فعالیت تنها دومرتبه انتخاب شده در هر بخش صادر شده است.»

در پایان دانش‌آموزان اعلام داشتند:

تحصن دانش آموزان، دانشجویان و معلمان پیشگام ادامه دارد

بندریاس - در نشر شماره ۲۲، خبری داشتیم از تحصن دانش‌آموزان، دانشجویان و معلمان پیشگام بندریاس که از تاریخ ۱۱/۲/۵۸ در محل استانداری این شهرستان شده‌اند. خواستهای متحصنین بدین شرح است:

- ۱- تثبیت يك مكان دائمی برای پیشگام.
- ۲- تضمین شرایط دمکراتیک برای فعالیت کلیه گروه‌های شد امپالیستی.
- ۳- درموقع لزوم، در اختیار قرار دادن مکانی جهت سخنرانی و نمایش فیلم.

اما تاکنون این تحصن نه تنها با بی‌توجهی استاندار و دیگر مقامات مشغول مواجه شده، بلکه در این رابطه متحصنین را مورد تهدید نیز قرار داده‌اند.

دفتر پیشگام بندریاس، طی نامه‌ای بدین آیت‌الله طالقانی و مراجع حقوقی و سیاسی و همچنین چند روزنامه، خواستار افشاکاری در این مورد شده‌اند.

يك دانشجوی انقلابی و مبارز را از دانشگاه اخراج کردند «کمیته بجای گارد سابق در دانشگاه را بروی مردم بسته است»

مدت ۲ (ترم) نیمسال از دانشکده اخراج کرده‌است. و دستور او افرامسلح کمیته، بجای گارد مزدور قبلی، از ورود مردم به دانشگاه، این سنگر مقدس آزادی جلوگیری می‌کنند. او حتی دستور داده‌است درهای دانشگاه را ببندند...

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا نباید هرچه بیشتر این سپه‌ها و توطئه‌ها را که هدفی جز سلطه تمام و کمال و مسجد امپریالیسم بر میهن مان ندارند افشا و از فعالیت عناصر ارتجاعی و شد خلقی با تمام قوا جلوگیری کنیم؟

انجام دهند. یکی از این موارد، فعالیت‌های ضدانقلابی و عناصر مرتجع در دانشگاه علوم کرمانشاهان است. رئیس این دانشگاه که خود عضو انتصابی شورای دانشگاه نیز هست از جمله این اشخاص است.

او با اصرار خود نشان داد که می‌خواهد با تمام قوا از فعالیت‌های سیاسی منفی دانشجویان این دانشگاه جلوگیری کند. شورای دانشکده که رئیس دانشکده عضو انتصابی آن است یکی از دانشجویان فعال و مبارز را به

گننت برای عیثی کردن فعالیت‌های انقلابی دانشجویان دانشگاه از هیچ کاری روی گردان بود. ساواک می‌کوشید از فعالیت‌های سیاسی و منفی دانشجویان جلوگیری کند. گارد مزدور بدانشجویان حمله می‌برد و ... دست‌آخیر نیروهای مسلح پلیس و ارتش شد خلقی، دانشجویان را در دانشگاهها بیاک و خون می‌کشیدند. اما شاید خیلی‌ها ندانند که تنها ۶ ماه پس از قیام‌خیزان خلق، عناصر خودمرد و سربنده امپریالیسم با وقاحت و بی‌شرمی تمام می‌کوشند همان اصرار ارتجاعی و ضد مردمی آرمانی را دوباره در دانشگاهها

دومین جشن گندم در ترکمن صحرا

گند - در شماره ۲۵ گزارشی از نخستین جشن سنتی گندم در روستای کسکور درج کردیم. اکنون گزارش کوتاهی از دومین جشن گندم که به دعوت شورای دهقانی «پوله سالیان» برگزار شده در این شماره می‌آوریم. جشن با حضور حدود دویست نفر از اهالی «پوله سالیان» و نمایندگان شوراهای دهقانی روستاهای دور دست آغاز شد. آقای ارزانی روحانی مبارز پیرامون اجتماع دهقانان و ضرورت تشکیل اتحادیه‌های دهقانی صحبت کرد و بخود سفاری را حق مسلم خلق ترکمن و سایر خلق های ایران دانست. در این هنگام تصمیم با شمار «خود سفاری برای ترکمن صحرا - استقلال برای ایران»، گفتگوی وی را مورد تأیید قرار دادند.

در این مراسم به توطئه‌های تفاق اسکانه زمینداران بزرگ و مرتجعین طرفدار آنها از جمله آتاقلیق قشبدی اشاره رفت و برای پیشگیری از این دست‌سپه‌ها رهنمودهایی ارائه شد.

سپس پیام ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا قرائت شد. در این پیام ضمن طرح ساله خود سفاری بر هم‌بستگی و اتحاد زحمتکشان روستایی اعم از زابلی، بلوچ و ترکمن و هم‌بستگی خلق‌های سراسر ایران تأکید شد و ضرورت تشکیل کلاس‌های هفتگی برای همه روستائیان جهت دادن گزارش کارها و شرح وقایع سیاسی - اجتماعی خاطراتشان گردید.

پیام‌های دیگری به مناسبت جشن گندم به «پوله سالیان» رسیده بود از جمله پیام‌های شوراهای دهقانی کسکور، پادریج، اینچیرون، بیله‌روان، پیام دهقانان مبارز ترکمن صحرا، پیام‌های کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن، شایعه‌های گم‌شده، واقع‌گفته معلمان پیشگام ترکمن صحرا، جوانان پیشگام پورچای، گروهی از دانشجویان پیشگام تبریز و تعدادی از دانشجویان پیشگام تهران که در جشن شرکت داشتند.

جشن با موسیقی ترکمنی، اجرای «بش‌بشا» و رقص چوب توسط هنرمندان زابلی پایان یافت. پارامی از شارهای الحرفاء محصل برگزاری مراسم چنین بود:

«شوراهای روستاهای ترکمن صحرا نشانه اراده دهقانان است، در حفظ و تحکیم آن بکوشیم»، «شوراهای دهقانی تنها مرجع حاکمیت روستاهاست در تحکیم آن بکوشیم»، «هرچه مستحکمتر یاد بپوشد کارگران دهقانان و زحمتکشان»، «پیش بسوی تشکیل اتحادیه های دهقانی»، «اتحاد اتحاد، زحمتکشان اتحاد» و «جشن گندم بر زحمتکشان مبارک باد».

خواستهای سماء کجور

«کار» تاکنون نشان داده، در برخی نواحی روستایی، مردم زحمتکش شوراهای و اتحادیه‌های خود را تشکیل داده‌اند و ایمن شوراهای و اتحادیه‌ها با پشتیبانی همه روستائیان و با تکیه بر اتحاد و یکپارچگی آنان برای رسیدن به خواسته‌های آنها و همچنین مقابله با تجاوز مالکین و ضامین و حامیان وصالان فعالیت می‌کنند.

ما به‌مهمترین خواسته‌های مردم سماء کجور اشاره می‌کنیم:

- ۱- سپردن امور روستائیان به کمیته یا شورای روستایی
- ۲- لغو کلیه بدعی‌های روستائیان به‌پانک کشاورزی و موسسات دولتی
- ۳- پرداخت وام بدون بهره طویل‌مدت به کشاورزان و دیگر زحمتکشان روستا
- ۴- تأمین برق ولوله‌کشی آب برای روستا
- ۵- ساختن جاده یا شهر برای تسهیل حمل محصولات کشاورزی
- ۶- تأمین بهداشت در روستاها با ایجاد بهداشتی و درمان رایگان
- ۷- واکنش‌سویان رایگان دامها

خواستهای اهالی سماء کجور نودشهر اهالی روستای «سماء کجور» چندین پیش خواسته‌های خود را اعلام کرده و خواستار اجرای آن شدند. کمیونیت‌ها و تارسی‌هایی که این روستائیان خواستار رفع آن شده‌اند همان‌حالیست که غالب روستائیان زحمتکش ما در نقاط مختلف ایران با آن‌ست، به‌گریزاند و کم و بیش برای حل آن دست به‌تلاش زده‌اند. این تلاش در یک جا خیلی خوب پیش رفت و در جای دیگر هنوز قدم‌های اول را برمی‌دارد. همانطور که این صفحه

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



بقیه از صفحه ۸

خاطره‌ی رفقای شهید گرامی باد

خارج شدند. پس از آن بدست پیکال درتیمی به فرماندهی رفیق حسن نوروزی بمبارز خود ادامه داد در تابستان ۵۱ در بخش دیگری تحت مسئولیت رفیق فضیلت کلام وارد شد و مسئول یکی از تیمها گردید. ولی در پی ناپدید شدن جمع آنها مورد سوء ظن دشمن قرار گرفت، در همانجا بود که رفیق با همرزمان دلیرش بمحاصره دشمن درآمد. رفیق فرخ نمونه‌ای از یک چریک فدائی صادق بود که با کینه‌ای صمیمی نسبت به دشمنان خلق و عشق بی‌پایان به قومش زحمتکش و با ایمان به آرمانهای طبقه کارگر با غایت بود.

رفیق شهید حسن نوروزی در باره رفیق فرخ سهری می‌گفت: «کینه او نسبت به دشمنان طبقاتی‌مان آنچنان عمیق بود که ایماندارم حتی اگر رفیق زنده نیز دستگیر می‌شد کوچکترین اطلاعی به دشمن نمی‌داد.»

رفیق فرخ در شرایط بسیار سخت پس از شهادت ۵۵ ساله برای حفظ سازمان پیگیرانه تلاش نمود. او می‌گفت در شرایط انقلابی راستین بودن ایستادگی در شرایط کونی نیز بتوانیم پریم مبارزه را برافراشته نگاهداریم و گرنه در شرایط سهل و آسان هر یار و گزینی خود را انقلابی خواهد خواند. او در این راه از هیچ سختی و مشکلی واهمه نداشت و با استقبال سخنی‌ها می‌تافت.

قاطعیت و ایمان او برای همه رفقا آموزنده بود. پادشاه همواره بهما نیرو می‌بخشد.

ما و روشنگر راه ماست. رفیق مهدی برای همیشه در قلب بزرگ طبقه کارگر ایران جاودان خواهد ماند.

چریک فدائی شهید فرخ سهری

رفیق فرخ سهری هنگامیکه حماسه پرشکوه زندگی را آفرید، بیست و یکساله بود. وضع خانواده آنان خوب نبود، او مجبور بود برای تأمین مخارج تحصیل کار کند و بدینسان ضمن کار و برخورد با مردم همجا فقر و ستم و تحقیر توده‌ها را مشاهده و تجربه می‌کرد و بدینجهت با مردمیافت و با دشمن خلق آشنا میگردد. و کینه‌اش نسبت به دشمنان خلق هر روز عمیقتر می‌گردد. رفیق فرخ بعد از تحصیلات متوسطه در دانشکده فنی بهادامه تحصیل پرداخت و در دانشگاه با شرکت علمی در مبارزات صنفی سیاسی، آگاهی خود را با تجربیات عملی غنی‌تر ساخت.

این ایام زندگی رفیق همزمان بود با آغاز مبارزه مسلحانه ایران و او به اتفاق برادر همزمزم و قهرمانش سیروس و رفیق فراموش نشدنی شاهرخ هدایتی یک حهت مارکسیستی بوجود آورده بودند و قصد داشتند با همان امکانات محدود خودشان دست بمبارزه مسلحانه بزنند و در همان ایام بود که توانستند با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ارتباط برقرار کنند و به سازمان پیوستند و بلافاصله در یک تیم فعالیت پدیدارند.

در ۱۹ شهریور ۵۵ خانه تیمی آنها به محاصره دشمن درآمد. رفیق فرخ به همسراه رفیق شاهرخ با چاکلی به سلامت از محاصره

سازمانی کند. شور انقلابی و خشکی ناپذیری رفیق مهدی همواره نیرو بخش تمامرفقای بود که با او کار می‌کردند. رفیق در سخت‌ترین شرایط همیشه با لبخندی پرلربرفقا را به تلاش بیشتر و استقامت و پایداری تشویق میکرد. رفیق نمونه‌ای از یک فدائیان پاکبخته و مؤمن به آرمانهای طبقه کارگر بود و همواره به رفقا می‌گفت: «حیانت رهبران حزب توده و پشت‌گردن آنها، به توده‌ها، تأثیرات بسیار منفی در جامعه بجای گذارده است. ما باید با استقامت و پایداری، با مبارزه پیگیر و قاطع چه در زیر شکنجه‌های جلدان چه در درگیری‌های خیابانی و چه در میدانهای تیر از آرمانهای طبقه کارگر و توده‌ها تا آخرین لحظه حیاتمان، دفاع کنیم و به توده‌ها نشان دهیم که ما مثل رهبران حزب توده، آنها را در لحظات سخت تنها نخواهیم گذاشت و به آنها پشت نخواهیم کرد و به آرمانهایمان پشت‌پا نخواهیم زد. ما باید نشان دهیم که مرگ را بر شرافت و حیانت ترجیح می‌دهیم. ما باید توده‌ها نشان دهیم که به آنها و آرمانهایمان ایمان داریم و شامن این ایمان ما خون ما است. ما باید با فدائیکارهایمان لکه تنگ‌خیانت رهبران حزب توده را از دامان مبارزان انقلابی بشوئیم.» رفیق مهدی در هنگام شهادت مسئولیت بخشی از سازمان را بر عهده داشت. رفیق مهدی یک مبارز آگاه و با تجربه و یک سازمانده سرب و خشکی ناپذیر بود. گرچه جای او امروز در میان ما خالی است، اما صداقت انقلابی، خشکی ناپذیری، قاطعیت، پاکبختی و رهنمودهای همواره الهام‌بخش

نامه مادر دو فدائی شهید به پیشگاه...

بقیه از صفحه ۸

ایران بود زمین تا آسمان تلخوت دارد. وقتی دادگاههای انقلاب بمساحه ناصر رژیم فاسد پهلوی پرداختند این امید در دل همه ریخته دویدند که این عوامل بنزای اموال خود خواهند رسید، چنانکه در بسیاری از موارد نیز امید بهودنش نبود ولی در بسیاری موارد دیگر بهوزارات نرزش نسبت بهزمیزوران رژیم قبل مبارزه انقلابی را دربرند کشید. مساحه قائل برای کویومرت از مواردی است که امید همه را میبلد بهیاس ساخت روز چهارشنبه ۲۲ تیر در جریان مساحه قائل فرزندم در دادگاه انقلاب مشهد حضور یافتم در حالیکه شوق اجرای عدالت اسلامی قلم را مالامال از هیجان کرده بود ولی دادگاه علاوه بر آنکه بمن مجال صحبت نداد با صدور رای غیر عادلانه خویش در برابر صداقت انقلابی و عدالت شورای کویومرت گذاشت. با آنکه قائل در محضر دادگاه اعتراف نمود که کویومرت بسا شرفی است که او برگردد وارد ساخته نقش زمین شده تنها بهدوسال زندان محکوم گردید.

آیا اینست معنای اجرای عدالت اسلامی؟ آیا این پاسخ عادلانه بهمادری است که دو فرزندش را تقدیم استقلال و آزادی ایران نمود، محشرش را از دست داده و شاهد اجرای محضی فرزند دیگری میباشد؟ دادگاهی که میتوانه ۵ نفر را در جنوب ظرف ۲۴ ساعت بدون آنکه ملت ایران بداند اتهامات چیست تیرباران کند چگونه قائل را که بهمصل خود مترقی است بهدوسال زندان محکوم میکند؟

آیا افرادی نظیر قائل کویومرت باهدفهای خاصی از مجازات واقعی معاف نشوند؟ آیا ارفاق در مورد چنین عناصری مرتبط با بازسازی ساواک نیست؟ من از این رای غیرعادلانه و پیشگاه ملت بزرگ ایران شکایت میکنم که آگاهترین و عادلترین قاضی است. آیا اراده ملت ایران در دادگاه انقلاب منهد حاکم است؟ آیا ملت ایران چنین غیر منصفانه قائل فرزندم را می‌بخشد؟ اگر خواست ملت ایران چنین است من شکوهی ندارم و اگر نیست من از این ملت بزرگ می‌خواهم که احقاق حق کند من مانده ناچیز حرم را با این امید. سهری خواهم کرد که ملت ایران این امکان را بیابد تا خودقائل کویومرت را سجا که کند و هرگز دادگاهی را که مبادرت بهصدور رای چنین غیر عادلانه و برخلاف موازین اسلام نموده نخواستند. من از تمام کانونها و سازمانهای مترقی استمداد میکنم.

مادرشهادی فدائی خلق غشایار و کویومرت شجره

هجوم مالکان به روستاهای جیرفت

امروزه در اغلب نقاط مینمان شاهد تجاوز زمینداران و مرتجعین به سال و چنان روستائیان میباشیم. کشاورزان محروم و زحمتکش که در اثر انتشار وحشیانه مالکان و غنای و سیاستهای ضد خلقی حکومت

تنگین پهلوی از حسنی ساقط شده بودند، پس از سرنگونی رژیم مشور پهلوی انتظار داشتند که دست این استثمارگران و چنانیکاران از زندگی آنها کوتاه شود. لیکن پارسیگر با تهدید زمینداران بزرگ و ثروتمند پهره بر غصب زمینشان و از سرگرفتنشان بهره مالکانه و هجوم آنها به روستاهای خود مواجه گشته‌اند. روزی روستاهای اطراف اورومیه و کرمان مورد چپاول و ظلمت زمینداران قرار می‌گیرد و بهجان و مال کشاورزان تجاوز می‌شود و روز دیگر در ترکمن‌سرا مالکان بهصیحه‌پشتی می‌نشینند.

این احوال وحشیانه زمینداران تنها از طرف دولت و کمیته‌ها با اعتراض روبرو نمی‌شود، بلکه اساساً مسئولین دولتی و کمیته‌ها، در برخورد میان دهقانان و اربابان چنانچه تجاوز را گرفته‌اند. یکی از چنین نمونه‌ها تجاوز مالکان به روستائیان میهم زمینداران به روستاهای جیرفت و فارت اموال و آتوز زمینزارع و بیرون راندن کشاورزان آن منطقه است که در ذیل بشرح آن می‌پردازیم.

موقعیت اجتماعی جیرفت شهرستان جیرفت با جسیستی حدود ۱۳۰۰۰۰ نفر در جنوب کرمان واقع شده است

ساکین این منطقه حاصلخیز را عموماً شایر تشکیل میدهند بهلت موقعیت خاص این منطقه در گذشته تغییرات چندانی در روابط اقتصادی - اجتماعی روستاهای اطراف جیرفت صورت نگرفته و حتی برنامه اصلاحات ارزشی‌فرمایشی - سابق نیز شامل این منطقه نشده است. روابط ارباب و رعیتی و حکومت خان‌خانی که از گذشته بر این ناحیه حکمفرما بود، مدت کم‌کم نیز ابلهه دارد.

رغم وابسته بهلمیرالیزم پهلوی جهت حفظ سلطه خویش و برخورداری از حمایت شایر، با خویشین و سران شایر روابط نزدیک برقرار کرده بود و این مرتجعین در غارت و انتشار روستائیان با رژیم چپاولگرانی همست شده بودند. این قدرتمندان محلی که در میان آنها کسانی چون دوران خان مالکی، حاجعلی‌خان مالکی - مصدقان شیرانی - رحیمی‌خان - میرزاخان تورکی - رحیمی‌خان (مصوم) و عزیزه اطم یافت می‌خواند کلیه اشکات دولتی، شرکتیهای زراعی و واحدهای کشاورزی را زیر نفوذ خود داشتند. در اثر استثمار و وحشیانه این زمینداران و قدرتمندان کشاورزان این منطقه در بهترین شرایط اقتصادی - اجتماعی بربرده و از ابتدائی‌ترین امکانات زندگی محروم گشته بودند. هرگز مقاومت و اعتراضی به برده‌ها نداشتند و جمعی توسط زاندارها، ابدی غنای و مرتجعین محلی سرکوب می‌گفت.

بعد از قیام این منطقه که کوه‌ها تحت انتشار مالکان و غنای قرار داشتند بهدور اینکه دولت در جهت بهبود وضع زندگی کشاورزان اقدام خواهد کرد و در مقابل مهاجران اربابان به حمایت از آنها برخواهد داشت. در سدد انتاع از برده‌ها حق مالکانه برآمدند. خافل از آنکه دولت بجای حمایت از زحمتکشان روستا به حمایت از زمینداران خواهد پرداخت و همان روابط اقتصادی - اجتماعی که را حفظ خواهد کرد.

در مقابل این اقدام بحق کشاورزان، یکی از غنای این منطقه بهنام عبدالصمد مالکی با ابدی سلسله فقره کلاشگر هجوم برده و هر خانوار را مزم. به پرداخت ۵ تا ۶ هزار تومان باج می‌نماید و تهدید می‌کند که اگر ظرف ۲۴ ساعت پول را نپردازند زن و بهمنایان را بهلارت خواهد گرفت. کشاورزان بهلول عدم توانائی پرداخت این باج و از ترس جان و مال خود بهپاسگاه درختور پناه می‌برند. رئیس پاسگاه پس از تحقیقات اقدام به بازداشت دوفتر از ابدی مسلح عبدالصمد می‌نماید. اما در همان شب عبدالصمد بهخانه یکی از روستائیان بهنام محمد لاجیک هجوم برده و او را بهبیور به پرداخت باج می‌کند. پس از این واقعه ماموران بهتقیب وی پرداخته و در جریان دستگیری عبدالصمد در اثر مقاومت مسلحانه کشته می‌شود. روستائیان کلاشگر

اقدام دیگری از فعالیتهای ضد کارگری دولت ماهیت مدیر عامل تام‌الاختیار...

بقیه از صفحه ۸

تایت کرمانند که هیچکس جز خود آنان صلاحیت اداره و سرپرستی شرکت را ندارد. آنان بهلین دلیل که طی ماههای گذشته و قبل از ورود مدیر عامل جدید با کارکرد شورا و تاجیر لبریش آن توانسته بودند به دستاوردهای بسیار زیادی برسدند بهارادخل فابریک وحدت و یکپارچگی کارگران پس برآمدند اما دولت و تمامی مسئولین کانون در یافتند که شوراهای انتصابی در کلیه موسسات که وظیفه خود را حمایت پدیدار از منافع کارگران و کارمندان زحمتکش و محروم قرار داده‌اند غاری است در چشم سرمایه داران زالوست که حریف جز غارت بیشتر زحمتکشان ندارند. باین جهت است که کلیه حامی سرمایه‌داران تمامی کوشش خود را بهکار می‌گیرد که بهر طریق شوراهای کارگران کارمندان سایر زحمتکشان را متلاشی کرده و با و وارد کردن افراد منطوب الحال و سربرده، شوراها را بهاصراف بکنانند.

اما با رشد زبون آگاهی کارگران و کلیه زحمتکشان در جلوگیری از توطئه‌های از پیش طرح شده اخیراً دولت از طریق وزارت کار و با تلاشهای پیگیرانه وزیر شناخته شده آن که ماهیت ضد کارگری‌اش بر کلیه کارگران کارخانجات زنداند و از طرف دیگر با تصویب قانون ضد خلقی ۱۳۲۵ که از رژیم شاه‌امانات گرفته شده نقش سرکوبگرانه خود را در تضایات و امتزانات کارگران سرچا اعلام داشته و درجهت جلوگیری هر چه بیشتر از رشد و گسترش شوراهای کارگران و کارمندان به اقدامات جدیدی متوسل شده‌اند.

اما کارگران و کلیه زحمتکشان تمامی این قوانین و اقدامات ضد کارگری را رد می‌کنند. پیش‌تجربه کرمانند و دیگر هیچکس از این اقدامات ضد کارگری نخواهد توانست اثری در مبارزات متشکل و روبروگشش کارگران و زحمتکشان داشته باشد. کارگران هر چه بیشتر می‌کنند تا صفوف خود را فتردهتر کرده و بدراء تقویت شوراهای و دستکهای واقعی خود بهتلاشی خشکی ناپذیر پرداختند و مدین راه با افتخار چهره‌های ضد کارگر در ندون موسسات و کارخانها ماسک فرسکاران و توطئه‌گران را از چهری پلیمان بر میدارند.

تایت کرمانند که هیچکس جز خود آنان صلاحیت اداره و سرپرستی شرکت را ندارد.

تایت کرمانند که هیچکس جز خود آنان صلاحیت اداره و سرپرستی شرکت را ندارد. آنان بهلین دلیل که طی ماههای گذشته و قبل از ورود مدیر عامل جدید با کارکرد شورا و تاجیر لبریش آن توانسته بودند به دستاوردهای بسیار زیادی برسدند بهارادخل فابریک وحدت و یکپارچگی کارگران پس برآمدند اما دولت و تمامی مسئولین کانون در یافتند که شوراهای انتصابی در کلیه موسسات که وظیفه خود را حمایت پدیدار از منافع کارگران و کارمندان زحمتکش و محروم قرار داده‌اند غاری است در چشم سرمایه داران زالوست که حریف جز غارت بیشتر زحمتکشان ندارند. باین جهت است که کلیه حامی سرمایه‌داران تمامی کوشش خود را بهکار می‌گیرد که بهر طریق شوراهای کارگران کارمندان سایر زحمتکشان را متلاشی کرده و با و وارد کردن افراد منطوب الحال و سربرده، شوراها را بهاصراف بکنانند.

اما کارگران و کلیه زحمتکشان تمامی این قوانین و اقدامات ضد کارگری را رد می‌کنند. پیش‌تجربه کرمانند و دیگر هیچکس از این اقدامات ضد کارگری نخواهد توانست اثری در مبارزات متشکل و روبروگشش کارگران و زحمتکشان داشته باشد. کارگران هر چه بیشتر می‌کنند تا صفوف خود را فتردهتر کرده و بدراء تقویت شوراهای و دستکهای واقعی خود بهتلاشی خشکی ناپذیر پرداختند و مدین راه با افتخار چهره‌های ضد کارگر در ندون موسسات و کارخانها ماسک فرسکاران و توطئه‌گران را از چهری پلیمان بر میدارند.

ما خواهان حق تعیین سر نوشت برای همه خلقهای ایران هستیم

خاطره رفقای شهید گرامی باد



رفیق شهید لرخ سپهری



رفیق شهید مهدی فضیلت کلام



فدائی شهید فرامرز شریفی

اقدام دیگری از فعالیتهای ضد کارگری دولت:

ماهیت مدیر عامل نام اختیار کشت و صنعت کارون را بشناسیم

خوردار بود. شورا طی دوره فعالیت خود و قبل از تعیین مدیر عامل جدید موفق به اعزام احمدی از عناصر منفور رژیم سابق از شرکت شد و تصدای از آنان را با تعیین اهماثان بطور مستند در اختیار کمیتهای امام قرارداد در زیر جهت توضیح فعالیتهای شورای منتخب کارگران و کارمندان کشت و صنعت کارون به اطلاعیه‌ای از اقدامات آنان اشاره می‌کنیم:

- ۱- تماس مستقیم با مسئولین ادارات دولتی و اعزام نمایندگان جهت رسیدگی فوری به وضع شرکت.
- ۲- تأمین اعتبار برای پرداخت حقوق و مطالبات وعیدی و پاداش کارگران و کارمندان در سال ۵۷.
- ۳- تشکیل کمیته‌ها و هیئت‌های سررستی در ادارات و قسمتهایی که بابت نبود وسایل سفر سرپرست در حال پاشیدگی بود.
- ۴- جلوگیری از ریخت و پاشی و هرج و مرج و حفظ اموال و اسبابات شرکت.
- ۵- پیشنهاد تصفیه افراد ضد کارگری و مزدوری که وظیفهشان خدمت به رژیم سابق و سرمایه‌داران وابسته بود.
- ۶- رسیدگی به خواسته‌های رفاه کارکنان و رواندازی امور فنی و اجرایی که را کسد مانده بود.
- ۷- با وجود تماس فعالیت‌های خود را در جهت حل مسائل و مشکلات شرکت، با ورود قهرزاده فعالیت ادامه می‌دهد و از حمایت کارکنان بر-

چریکهای فدائی خلق پیوستند. سن از آنها (شیرین، مهدی و انوشه) پیشنهاد رسیدند و ستم دیگر سالها در زندان تحت شکنجه بودند.

مهدی از دوران کودکی با رنج و محرومیت تودماغ آشنا شد و خیلی زود به مبارزه روی آورد. او سراپا شور و تحرک بود. مهدی تنها به مسائل تئوریک اکتفا نکرد و مدتها در شهرهای مختلف و در رابطه با توده‌ها شناخت خود را از واقعیت‌های جامعه انزوترا نمود و در جریان این بررسی واقعیت‌های موجود، اندیشه صلح‌محله در ذهن وی شکل گرفت و از این رو دست به تشکیل گروهی زد که غلظتی آن مبارزه مسلحانه بود. چند طرح اصلی نیز به منظور اجرا گذاشت پس از آن سازمان ارتباط گرفت و به عضویت سازمان درآمد.

رفیق مهدی در سال ۵۵ که سازمان شدیداً شریه جو بوده بود، پیگیرانه در سازمانی در ترمیم شریات وارد تلاش کرد و با کوشش و تلاش خستگی‌ناپذیر خویش، سهم ارزنده‌ای در ترمیم شریات بعهده داشت. رفیق مهدی با آگاهی عمیق سیاسی و تجربه مبارزاتی کارآئی‌های اصلی خود در مدت کوتاهی توانست کاندیدای زیادی تربیت نموده و بقیه در صفحه ۷

در زندگی دیگران داشته باشد. رفیق فرامرز فرماندهی تیمی را در بخش تحت مسئولیت رفیق مهدی بعهده داشت.

رفیق فرامرز در نامه‌ای که در زمان زندگی منشی خود برای خانواده‌اش فرستاد چنین نوشته است:

«این راه اصلی زندگی و بزرگترین هدف من است. خوشحالم از اینکه میتوانم در راه انقلاب قهرآمیز خلق ایران عضو یک سازمان پیشاهنگ باشم.»

رفیق فرامرز در مردمانه سال ۵۱ همراه با مهدی فضیلت کلام و فرخ سپهری در یک درگیری نابرابر با مزدوران ساواک پس از ۵ ساعت نبرد با ممنوع‌کسری تصدای از مزدوران کتیف ساواک، هنگامیکه حتی آخرین گلوله‌های خود را نثار مزدوران ساواک کرده بود با دردمند داشتن یک نارنجک آساده انبشار خود را به میان دشمنان خلق پرتاب نمود و با ازبین بردن هم‌دای از مزدوران بنزدگی پراختار خود پایان داد. یاد او و فداکاری‌هایش همواره در خاطر ما جاودان خواهد ماند.

فدائی شهید مهدی فضیلت کلام

رفیق مهدی فضیلت کلام در سال ۱۳۲۶ در خانواده‌ای بدینا آمد که اکثر اعضای آن به مبارزه سیاسی روی آوردند و به سازمان

فرماندار تهران که

انتخابات «مجلس خبرگان» زیر نظر او برگزار می‌شود

کیست؟

ایرج تبریزی، فرماندار جدید تهران که چند هفته پیش به این مقام رسید. در زمانیکه شهید آزمو (دایی جسنجید آموزشگار) استاندار آذربایجان شد به مقام فرمانداری تبریز رسید. همه می‌دانند که شهید آزمو به عنوان عامل اصلی فاجعه خونین تبریز بود و آقای ایرج تبریزی، منتخب ایشان برای فرمانداری تبریز بودند. شهید آزمو به خاطر روابط نزدیک که با آقای ایرج تبریزی (فرماندار فعلی تهران) داشت می‌خواست آقای تبریزی را به معاونت خود برگزیند که پس از وقایع خونین تبریز مجبور به استعفا شد.

ایرج تبریزی در سالهای قبل نیز فرماندار قلعه به شوسار بوده است.

نامه مادر دو فدائی شهید: به پشگاه ملت بزرگ ایران

چندین روز است که قلبم را اندوهی عمیق می‌شکافد از روزی که دادگاه انقلاب اسلامی مشهد با رای غیر عادلانه خود برضعیای دلم نیک پاشیده بیرون داد این اندیشه‌ام که فرجام انقلاب ایران چیست؟ از خود شوال می‌کنم آنچه می‌بینم حاصل خون پاک دهها هزار شهید است یا سحنه‌ای از نمایشنامه ایست که امپریالیستها آرا نوشته‌اند!

یک امید بزرگ تمام شهانی را که در سوگ شهادت فرزندانم خنایار و کیومرث تا سبج بیدار می‌مانم قابل تحمل میساخت و آن وصول همزمان او به هدف بینهایت عظیم بود که آنان را با سمرت به شهادت دعوت می‌کرد. شهادت در راه آرمانهای خلق کبیر خود، شهادت برای انحاء ربه امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن.

خنایار همزمان تحصیل در دانشگاه برای رعاشی خلق خود از چنگال سیاه فارتگران بین‌المللی و پادای آنان فنانه در نهضت ضد استبدادی و ضد امپریالیستی ایران شرکت

عملیات موفقیت آمیز جبهه پولیساریو

جبهه پولیساریو در دوم مرداد ۵۸ اسلام کرد و یک شیبون در همین روز در منطقه قوچولومین در جنوب غربی ۱۲۵ نظامی مراکشی از جمله چندین افسر ارکانه ۲۵ دیگر را اسیر و ۳۳ تن را زخمی کرده است براساس بیانیه که از سوی وزارت اطلاعات «دولت» در تهیه شد.

لزوم اتحاد برای مبارزه با زمیندار

برای دیگر جلوی دادگستری انقلاب اسلامی آزاد شدند. روستائیان می‌گویند داستان انقلاب اسلامی بهجای رسیدگی به خواست بر حق روستائیان جاب زمینداران را می‌گیرد.

امروز هم مانند گذشته آمریکائیا بشارت مهین ما متفولند. آنها هنوز هم سرمایه‌های جنگنی در ایران دارند و سودهای کلانی بجیب می‌زنند. هنوز هم متخصصین، مستشاران و مدیران آمریکائی با حقوقهای کلان در ایران استخدام میشوند.

جست! و پس از حرکت در تظاهرات دانشگاهها و تظاهراتی که در جریان مراسم جهان پهلوان تختی برگزار میشد و شرکت در عملیات انبشار ال - آل و اختصاب شرکت واحد در سال ۵۵ اسیر چنگال‌های سیاه درخیمان شاه شد و پس از طی دوران اسارت در زندانهای پهلوان، اسفهان، کازرون و اوین سرانجام در سال ۵۱ از زندان مرخص شد و دو ماه و شش روز همزمان کبیر خود در سازمان پراختارچریک های فدائی خلق ایران بهبازارت پیگیر خود ادامه داد او همچنین در اعدام انقلابیونیک طبع، قانع، عباس شریاری و سروان نوروزی شرکت فعال داشت و سرانجام در روز ۲۴ فروردین ۱۳۵۲ در یک منزل تیمی در قزوین به محاصره ماموران ساواک درآمد و در یک جنگ نابرابر تا آخرین قطره خون خود را نثار ملت قهرمان ایران کرد. کیومرث نیز فعالیت انقلابیاش را همزمان با خنایار شروع کرد و از سال ۵۵ منشی شد تا اینکه در ۹ بهمن ۵۵ در جریان یک مانور نظامی در مشهد

LOCATION: Rig 57		IRANO-READING & BATES										SHEET NO. 3 OF 3						
JOB:		IRANIAN EMPLOYEES PAYROLL										PERIOD ENDING MAY 31 79						
		دوره کارکرد: مرداد ۵۸																
NO	NAME	STATUS	CLASSIFICATION	EMPLOYER S.A.	RESIDENTIAL + DEPENDENT	REMARKS	TOTAL	TRAVEL	FAMILY ALLOW.	HOUSE-RENT ALLOW.	OTHER ALLOW.	NET DUE	WAGE NO.	NAME	CLASSIFICATION	EMPLOYER S.A.	RESIDENTIAL + DEPENDENT	REMARKS
1

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابستگانش